

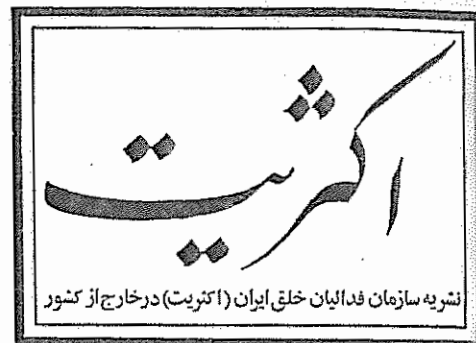
اعتراض نسبت به احکام اعدام صادر شده، گسترده‌تر می‌شود

اتحادیه کارگری فیلیپین وابسته به فدراسیون سندیکایی جهانی، شورای جوانان دمکرات و جمعی از شخصیت‌های اجتماعی، سیاسی و نمایندگان اتحادیه‌های کارگری تعدادی از کارخانجات این کشور، نامه‌هایی اعتراضی درمابین انتشار یافت. در این نامه‌ها ضمن بیان نگرانی نسبت به وضعیت زندانیان سیاسی در رژیم خمینی به احکام صادره در پیدادگاه‌های رژیم اعتراض شده و لغو این احکام خواسته شده است. این نامه‌ها برای سفارتخانه‌های رژیم نیز ارسال شده‌اند. بقیه در صفحه ۲

به دنبال افشای خبر صدور احکام اعدام برای چهار نفر از اعضای کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از جمله رفیق انوشیروان لطفی و رفیق رضی‌الدین تابان، و جمعی از مسئولین حزب توده ایران، بابت اعتراض نیروهای ترقی‌خواه جهان علیه این توطئه رژیم سرکوبگر خمینی و محکوم ساختن کشتار و شکنجه در ایران هر روز سانسور می‌شود.

فیلیپین

از سوی نیروهای ترقی فیلیپین، از جمله



دوشنبه ۲۵ شهریور برابر ۱۶ سپتامبر ۱۳۸۵
یو.ا. ۶۰ سال - سال دوم - شماره ۷۴

مصاحبه "اکثریت" با عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

"این جنگ باید بی‌درنگ متوقف شود!"

ماجرای جوی و تشنج آفرینی در منطقه

ج: فعالیت حزب کمونیست عراق از سال ۱۹۳۴ پخاطر ضرورت مبارزه طبقاتی و شرایط تاریخی آغاز گردید. تأثیرات انقلاب کبیر اکتریز در سال ۱۹۲۰، موج خیزش توده‌ای، عدم توانایی بورژوازی ملی در تحقق خواست‌های مردم و همینطور تأثیرات بحران عمومی سال ۱۹۲۹ در عراق، شرایط تاریخی آغاز فعالیت حزب کمونیست را فراهم نمود.

حزب از ابتدا حرکت خود را بر اساس برنامه، در جبهت پیشبرد انقلاب ملی و دمکراتیک استوار نمود. در این برنامه استراتژی و تاکتیک حزب مشخص شده بود.

حزب اشاعه مارکسیسم لنینیسم در عراق را آغاز نمود. پخاطر مشکلات مبارزه در شرایطی که نیروهای بورژوازی و خرده‌بورژوازی در راس بقیه در صفحه ۸

در ششمن سالگرد جنگ ویرانگر ایران و عراق، جنگی جنایتکارانه که صدام آغازگر و رژیم خمینی مسئول اصلی تداوم آن است، مناسب دیدیم که نظرات حزب کمونیست عراق در مورد جنگ و برخی مسائل ایران را به اطلاع خوانندگان خویش برسانیم، به این منظور مصاحبه‌ای با یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق و عضو رهبری حزب در خارج از کشور صورت پذیرفت که به درج آن می‌پردازیم.

رفیق قبل از آغاز مصاحبه، از سوی حزب کمونیست عراق، انتشار تشریبه اکثریت بعنوان ارگان سازمان در خارج کشور را تبریک گفت.

س: در آغاز مختصری درباره تاریخچه فعالیت و حزب و موقعیت کنونی آن توضیح دهید.

نکبت بار و کثیف، پنجمین سال زندگی مرکبار خود را به پایان برده و در آستانه گام گذاشتن به ششمن سال می‌باشد، گسترش دامنه جنگ و اقدام ماجراجویانه و از اساس خطرناک تهدید دیتر کشورهای منطقه، تصویری نگران کننده را بوجود می‌آورد.

اقدامات ماجراجویانه و سیاستهای ابلهانه گسترش دامنه جنگ، ولوایتکه درحد جنگ و جدل لفظی و اقدامات محدود هم باقی بماند، می‌تواند بسیار در خدمت امپریالیسم جهانی سرگردگی آمریکا قرار گیرد. ناوگانهای آمریکا در اقیانوس هند و نیروهای واکنش سریع بقیه در صفحه ۲

تنش حاکم بر روابط سیاسی جمهوری اسلامی با کویت و دیتر شورهای حوزه خلیج، در هفته اخیر به از جدید و در عین حال خطرناکتر، ارد شد. بمبارانهای متعدد اخیر بایانه نفتی جزیره خارک توسط رژیم عراق، در خطر افتادن صادرات نفتی بران، روند رو به گسترش توقیف و چسب کشتی‌ها و مسائلی از ایندست، به شدت اوضاع سیاسی منطقه را بحرانی کرده است.

سیاستهای لجبوانه ادامه جنگ که توسط سران رژیم جمهوری اسلامی دنبال می‌شود، تاکنون عواقب وخیمی را هم برای کشور و هم برای منطقه در پی داشته است. در روزهایی که این جنگ

پنجمین سال جنگ:

بن بست در لجنزار

در صفحه ۲

به مناسبت سالروز کشتار ۱۷ شهریور:

"نگ بانگ پاک نمی‌شود"

نگ رژیم شاه در کشتار و خیانت، ابدی است تبکارهای رژیم خمینی آنرا محو نمی‌کند.

۱۷ شهریور روز پایداری و پایداری مردم دلیر کشورمان بود. مردم با رشادت تمام در برابر درنده‌خویی رژیم شاه ایستادند و این فاجعه دردناک، مبداء حرکتی فراگیر بود که چون آتش سوزنده‌ای، کاخ‌های ظلم و ستم شاه و سلسله شاهنشاهی را در لپیخ خود سوخت و فروریخت. فرمان این جنایت، از قبل توسط آمریکایی جنایتکار صادر شده بود. زاهدی سفیر شاه در واشنگتن حامل پیام مرگ بود. اما برخلاف انتظار رژیم ستشاهی و ارباب بخت‌خوارش، ۱۷ شهریور، پیام آور مرگ حکومت سلطنتی و بشارت دهنده انقلاب بهمین بود.

۷ سال پس از فاجعه ۱۷ شهریور، حکومت

بقیه در صفحه ۲

۷ سال از ۱۷ شهریور، سالروز جنایت عظیم و هولناک رژیم ستشاهی گذشت. "جمعه خونین" بارزترین سند و برجسته‌ترین گواه جنایاتی است که رژیم شاه در حق مردم کشورمان روا داشته است. هیچ کس و هیچ چیز در جهان قادر نیست که بر این سند خونین پرده بکشد. مردم کشورمان، در این روز، اوج ددمنشی و خونخواری رژیم تبکار شاه را بچشم دیدند. کشتار چند هزار نفر در یک روز. مردم میهن‌شاه این جنایت بزرگ تاریخی، این سند ننگ ابدی رژیم ستشاهی را فراموش نخواهند کرد. میهن‌شاه تصویر دود و خون، ضجه و ناله منجروحین، از ذهن هیچ ایرانی شرافتمندی، محو نخواهد شد. مردم نفرت، کینه و خشم ناشی از این جنایت هولناک را از غار نخواهند زدود.

وضعیت رژیم خمینی

از دیدگاه مطبوعات و رسانه‌های غرب

اخیرا رسانه‌های گروهی کشورهای امپریالیستی سلسله گزارشهایی در مورد ایران منتشر کرده‌اند. این گزارشها، بدنبال سفر خبرنگاران غربی به ایران، بازدید آنها از جبهه‌های جنگ، به ویژه در باتلاقهای "هورالهیوز" و اقامتشان در تهران و سایر نقاط کشور تنظیم شده است. از جمله، مجله آمریکایی "تایم" در یکی از شماره‌های اخیر خود گزارش فرستاده‌اش به ایران را درج کرده است. همچنین هفته‌نامه "اشپیگل" چاپ آلمان فدرال رپرتاژ مفصلی از ایران به چاپ رسانده است. ایستگاههای تلویزیونی در کشورهای غربی نیز فیلمهای خبری تهیه شده توسط خبرنگاران اعزامیشان به ایران را پخش می‌کنند.

نکامی کوتاه به این گزارشها و اظهارنظرهای رسانه‌های گروهی امپریالیستی، نکته مشترک را در بقیه در صفحه ۱۰

علیه جنگ، برای صلح، پیاخیریم!

به مناسبت سالروز کشتار ۱۷ شهریور:

“نگ باننگ پاک نمی شود”

بقیه از صفحه اول

سلطنت طلب است. مدتهاست که نیروهای مزدور و سلطنت طلب با طرح جنایات رژیم خمینی، می کوشند تا بر جنایات و تبهکاری های رژیم شاه پرده بکشند. صدای و آزادی آن ها از هر سوراخی به گوش می رسد؛ چراید و نثریاتشان مملو از افسوس و تاسف برای مرگ آزادی است. آن ها می کوشند تا مردم را فریب داده و از موج مخالفت های فزاینده مردم نسبت به حکومت خمینی به سود خود بهره گیرند. دیروز مردم ما می گفتند “نگت با رنگ پاک نمی شود” امروز می گویند “نگت باننگ پاک نمی شود” جنایات خمینی نمی تواند پرده ساتری باشد بر جنایاتی که رژیم شاه در حق مردم کشورمان اعمال کرده است. مردم، فریب صورتک آزادی خواهی که چانیان دیروز بر چهره کشیده اند، را نخواهند خورد. ۱۷ شهریور، بعنوان سند درنده خویی، جنایتکاری و خونخواری حامیان تخت و تاج و مشروطه خواهان کذابی و در عین حال خیانت رژیم تبهکار خمینی در تاریخ کشور ما ثبت است. ●

اعتراض نسبت به احکام اعدام صادر شده، گسترده ترمی شود

این جنایات را هرگز فراموش نخواهند کرد.”

آلمان فدرال

اتحادیه دمکراتیک حقوق دانان - دورتموند با انتشار نامه ای خواهان پایان دادن به اعمال شکنجه و قطع فوری تدارک و اجرای احکام اعدام زندانیان گردیده است این نامه برای سفارت جمهوری اسلامی در بن ارسال شده است.

در نامه اتحادیه دمکراتیک حقوق دانان که به امضاء هلموت تاشن، یکی از حقوق دانان برجسته آلمان، رسیده ذکر آمده است:

“در میان زندانیانی که بلافاصله در معرض خطرند چهار نفر از اعضای کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) وجود دارند.”

در این نامه افزوده شده است: “رفتار با زندانیان سیاسی در زندان های جمهوری اسلامی یادآور قرون وسطی است. این رفتار، بربرمشرانه و به معنای واقعی کلمه یک جنایت علیه بشریت است.”

خمینی، با لگدمال کردن خواست های برحق مردم، با نادیده گرفتن خون پاک شهیدان انقلاب، در همان مسیر گام می زند که سلف او طی طریق کرده بود.

۷ سال پس از فاجعه ۱۷ شهریور

حکام آزادی کش آدمی خوار، خود کارنامه سیاهی را رقم زده اند. بی شمار از فرزندان خلق، ناجوانمردانه به شهادت رسانده اند. استقلال و آزادی و عدالت را پایمال ساخته اند، آزادگان و وارستگان، به جرم آزادی خواهی و آزادی گری در اسارتگاه ها به بند کشیده شده اند. در خونریزی و کشتار، خمینی با شاه روسیاه کوس رقابت می زند.

۱۷ شهریور، سندی افشاگر است،

سندی کوبنده است. سندی رسواگر دو رژیم، رسواگر رژیم شاه که در یک روز هزاران نفر را به خاک و خون کشید و رژیم خمینی که دستاورد آن همه تلاش و فداکاری را پایمال ساخت. ۱۷ شهریور در عین حال افشاگر آزادی خواهی دروغین تفاله های

بقیه از صفحه اول

ساموئل. ت. دل دبیرکل اتحادیه کارگری فیلیپین در نامه اعتراضی اتحادیه نامبرده می نویسد، “ما اعتراض شدید خود را نسبت به اقدامات دولت ایران ابراز می داریم و مصرانه می خواهیم که چنین اعمالی بی درنگ متوقف شوند.”

در نامه شورای جوانان دمکرات فیلیپین که به امضای پدرو. پ. باکویاس، رئیس شورای نامبرده رسیده است آمده است:

“شورای جوانان دمکرات فیلیپین، قویا مخالفت خود را با موج جدید شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی ایران اعلام می کند. چنین سرکوب هایی که توسط رژیم ایران اعمال می شوند، برای جهان ما پذیرفتنی نیستند... به شکنجه و اعدام پایان دهید.”

شخصیت های اجتماعی سیاسی و نمایندگان کارگران کارخانه های فیلیپین نیز با اشاره به احکام اعدام صادر شده و نیز شکنجه و کشتار در ایران، نوشته اند، “مردم جهان با نگرانی به تحولات ایران می نگرند و

ماجرای جویی و تشنج آفرینی در منطقه

بقیه از صفحه اول

بهار کشتی را متوقف ساخته و محصولات بعضی از آن کشتی ها را از جمله یک کشتی چینی و یک کشتی کویتی را ضبط کرد.

از دیگر اقدامات ماجراجویانه -حکام جمهوری اسلامی در این زمینه، سخنان هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه روز ۲۲ شهریورماه بود. این سخنان که ناشی از احساس خطر جدی در ناتوانی برای صدور نفت بغایت بمباران پایانه نفتی خارک بود بر بحران منطقه خواهد افزود و نتیجه ای جز فراهم کردن شرایط برای مداخلات بیشتر نیروهای امپریالیستی در منطقه بدنبال نخواهد داشت. رفسنجانی در نماز جمعه عنوان کرد که: “اگر روزی شیرهای نفت ما بسته شود، کاری می کنیم که شیرهای نفت همه منطقه بسته شود... اگر ما نتوانیم نفت صادر کنیم، در نتیجه نمی توانیم چیزی را هم وارد کنیم و باید بنادرمان را تعطیل کنیم و این منطقی نیست که ما با این قدرت دریائی خود، از بنادرمان استفاده نکنیم و دیگران استفاده کنند...”

هاشمی رفسنجایی اعلام

کرد: “ما سه میلیون بیجی آماده و جبهه دیده داریم که آماده اند تا جنگ را به شکل دیگری خاتمه دهند... و اگر اینطور شد که ما خلیج را نداشته باشیم، کاری خواهیم کرد که کسی در خلیج سالم نماند.”

واقعیتی است که جمهوری اسلامی از بسیج نیروی نظامی عاجز است و رقم سه میلیون نفر، ادعائی باطل بیش نیست. ولی همین تهدید او، که ادعا کرده “کاری خواهیم کرد که کسی در خلیج سالم نماند.”، همان چیزی است که می تواند مورد استفاده قرار گیرد. ایالات متحده تاکنون با بزرگ کردن خطر حمله و تهاجم جمهوری اسلامی، امتیازات فراوانی از کشورهای حوزه خلیج به دست آورده است. و اکنون این موضع تیریه های ماجراجویانه، کار آمریکا را برای مداخله در امور منطقه تسهیل می نماید.

واقعیت اینست که رژیم جنگ طلب خمینی در این عرصه نیز همانگونه عمل می کند که آمریکایی طلبد ●

و سرفرماندهی مرکزی آمریکا، همواره مقرر صد پیش آمد چنین شرایطی هستند، تا با بهانه دفاع از منطقه حیاتی و استراتژیک خود و یا برای “حفظ اوضاع” مستقیماً در آبهای خلیج مداخله نمایند.

اقدام ماجراجویانه ایران برای توقیف کشتی ها و تجسس های مستمر، تهدید به بستن تنگه هرمز و تهدیدات مشابه، در همین آغاز دوره جدید، باعث گشته است که عربستان سعودی امکان آنرا بیابد که خاک و شواحي دریائی خود را برای استفاده آمریکا، در خدمت آن کشور قرار دهد. حضور نیروهای آمریکا در خاک عربستان چیزی جز بستر مداخلات همه جانبه تر در امور منطقه نمی تواند باشد.

در سال ۱۳۶۲، همزمان با تهدیدات رژیم ایران برای بستن تنگه هرمز، ۲۵ ناو آمریکایی به منطقه اعزام شدند. این عمل مجدداً در اواخر سال ۶۲، با اعزام ناو هواپیمابر میدوی به دهانه خلیج فارس تکرار شد.

اینک در آستانه ششمین سال جنگ خانمانسوز، حکام جنگ طلب جمهوری اسلامی، همچنان به اقدامات ماجراجویانه و جنگ طلبانه خویش ادامه می دهند. در سرمقاله روزنامه دولتی اطلاعات که هفته گذشته منتشر شد و مورد استناد و اعتراض مقامات کویتی نیز قرار گرفت، دولت کویت مورد تهدید قرار گرفته است. نشریات دولتی ملی هفته گذشته بارها دولت کویت را جاسوس عراق و شریک جنگی آن کشور نامیدند.

در مقابل تهدیدات و اتهامات دولت ایران، کویت نیز صریحاً اعلام کرده است که در صورت وقوع حمله به کویت از سوی جمهوری اسلامی، آمادگی دفاع و جنگ را دارد.

در نشست سران شورای همکاری خلیج که هفته گذشته در ریاض برگزار شد، کشورهای عضو شورا، اعلام کردند که حمله به کویت را، حمله به همه دول عربی تلقی خواهند کرد.

اقدامات ماجراجویانه جمهوری اسلامی ایران، به این مقالات محدود نماند. در هفته گذشته، نیروی دریائی

پنجمین سال جنگ:

بخش دوم

بن بست در لجنزار

در لجنزارهای هوای الهویزه

در همان حالی که جنگ شهرها با شدت ادامه داشت، جمهوری اسلامی دست به یک حمله گسترده زمینی در ناحیه هورالهویزه زد. این حمله "بدر" عنوان ترفی، پدری خونین که علی رغم قوای کتیری که جمهوری اسلامی برای دست بازیدن به آن بسیج کرده بود، بسی زود در باتلاقهای پوشیده از جسد هورالهویزه، افول کرد.

عملیات بدر یک واکنش بی برنامه نبود. هورالهویزه جایی بود که با عبور از آن جاده شش که بصره و بغداد را به هم وصل می کند قطع می شد و راه مستصره کامل پدیده هورار می گشت. هورالهویزه جایی بود که جمهوری اسلامی آنرا برای وارد کردن یکنی از آن "ضربه های عمیقی" که در خیال می پروراند، مناسب دانسته و از مینرو از مدت ها پیش چشم "شورای عالی دفاع" بدان خیره گشته بود.

شکست در هورالهویزه بسیار مهیب بود. رهبران جمهوری، اسلامی ماتشان برد. خمینی در دیدار با جمعی از بازماندگان حمله بدر، کوشید با توسل به مشیت لاهوتی، از خود در برابر مشیت ناسوتی شکست در هورالهویزه سلب مسئولیت نماید و، بدانان گفت: "خدا به ما فرمان داد که برویم و دستهای متجاوز را قطع نماییم. ما می رویم و تا آنجا که در توان داریم وقادریم، دستهای متجاوز را قطع می کنیم. اگر نتوانستیم باز هم فرقی نمی کنیم. ما وظیفه خود را انجام داده ایم."

نیروی بسیج شده از سوی جمهوری اسلامی در عملیات بدر ۵۲۰۰ نفر بود. عراق در پایان این عملیات مدعی شد که از این عده ۱۵۰۰ نفر را کشته است. این ادعا به گزارش خبرنگارانی که از منطقه عملیات دیدار کردند، چندان دور از واقعیت نبود.

دور دوم جنگ شهرها

روز ۱۹ فروردین خاویر پرزد و کوفیاری دیر کل سازمان ملل به تهران و روز بعد از طریق قطر به بغداد رفت. به دنبال این سفر دور اول جنگ شهرها پایان یافت. اما ۴۵ روز بعد از سرگرفته شد. این ۴۵ روز، روزهای تهدید کردنها و خطوط نشان کشیدنهای میشتی بود. تلاشهای دیپلماتیک در

این فاصله به نتیجه ای نرسیدند. رهبران جمهوری اسلامی همچنان بر جنگ پای فشرده و بر روی "ضربه قاطع" آینده رجز خوانی کردند. خمینی در سخنرانی روز ۱۶ اردیبهشت خود بار دینر مخالفت خود را با برقراری صلح اعلام کرد و رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه ۲۰ اردیبهشت بر روی همه تلاشها برای پایان دادن به جنگ، خط باطل کشید و آنها را باعث خواند. وی گفت برای پیشبرد جنگ "ما در بهترین شرایط ممکن بسر می بریم."

در روز اول خرداد مجدداً کشتار در وضعیت قرمز آغاز گشت. پرتاب موشک و حمله های هوایی به مناطقی مسئولی از سرگرفته شد و تا ۲۵ خرداد ادامه یافت. همزمان با جنگ شهرها، جمهوری اسلامی در منطقه هویزه، "عملیات قدس" را آغاز کرد که صرفاً یک دستاویز تبلیغاتی محسوب می شد.

"مرگ بر جنگ" و "مرگ بر خمینی" هم پیوندی بیشتری یافت.

تاکتیکهای تازه نمودهای تازه در ماندگی

از هتاهم پایان دور دوم جنگ شهرها تا کنون، رژیم حول چندین حمله بانامهایی از قبیل قدس، طفر، یا امام موسی بن جعفر و عاشورا، هاپهو به راه انداخته است. این حملات همگی محدود بوده و اعلامیه های ستاد مشترک ارتش و سپاه پاسداران آنها را با عناوینی همچون "شبیخون" و "عصیان نفوذی"، توصیف می کنند. مسئولین رژیم و فرماندهان ارتش و سپاه اکنون آشکارا و بطور مشخص از "تاکتیکهای تازه" سخن می گویند. این تاکتیکهای تازه که بر نفوذا و تک های محدود، تکیه دارند، بر درماندگی همه جانبه رژیم و بر بن بست تمام عیار جنگ دلالت می کنند. مسئولین رژیم خود می دانند که دینر ساده لوحترین پاسدار و بسیجی را هم نمی توانند با توهم "سمنه نهایی" و "هجوم گسترده



آخرین" بفریبند. درماندگی آنها به معنی دست کشیدنشان از جنگ نیست. "حمله نهایی" جای خود را به "یکی دوضربه عمیق" سپرد و "ضربه عمیق" در لجنزارها فرو رفت و "عملیات نفوذی" به جای آن نشست. اما رهبران جمهوری اسلامی که با کلو در باتلاق جنگ فرو رفته اند، از واژه صلح به شدت هراسانند. تلاشهای دیپلماتیک و رفت و آمدهای پنهان و آشکار، هنوز نتیجه معینی را نبخشیده است و درگیریهای کوچک و بزرگ، اجساد پشته شده، گورستانهای در حال گسترش، خانه های ویران شده، تشنجات منطقه ای و یاهو باقی هاورجز خوانی های، میشتی اجزای تصویر افق آینده را - تا آن حد که در معرض

از میزان خسارات و تلفات جنگ شهرها نمی توان رقم دقیقی ارائه نمود. حتی در صورت دست یابی به چنین رقمی نمی توان عین چنایاتی را که دو رژیم پلید خمینی و صدام در جنگ شهرها مرتکب شدند، تصویر کرد. حاصل جنگ شهرها هزاران کشته و زخمی بود و صدها خانه و کاشانه ویران شده. شهرها مواره در حال اضطراب به سر می بردند. زندگی عادی مختل شد و همه چیز با جنگ و کشتار در آمیخته بود.

جنگ شهرها نفرت از جنگ را وسیعاً گسترش بخشید. خیزشهای توده ای چندی علیه جنگ صورت گرفت و در ذهن مردم ایران دوشمار

دید است - تشکیل می دهند. همه اینها بدان معنی نیست که جنگ در همان نقطه ای، متوقف شده است که مغلط پارسال این هتاهم در آن قرار داشت. همین توسل به تاکتیک نفوذ و شبیخون - که در گذشته جنبی و فرعی و سرگرم کننده محسوب می شد و اکنون محور اعلام می شود - خود شهادی بر این موضوع است. یک سال، وقتی که با ثقل و نیروی ماند آن همه رجز خوانی ها، یاهو باقی ها و توهمات و دروغ پراکنی ها سنبیده شود، مدت زیادی به نثر نمی آید. به دلیل این نیروی ماند و دینر عوامل دم سنج و هم بسته آن، سرعت حوادث در رابطه با جنگ - خاصه در این مرحله در شامسر پرشتاب نیست. رژیم عراق می خواهد از یک موضع تهاجمی از کندی این روند بکاهد. عراق اکنون نیروی هوایی خود را بر روی حملات متوالی و سنجین به پایانه نفتی خارک متمرکز ساخته است تا از طریق ایستاد یک تکنای اقتصادی جدی ناتوانی جمهوری اسلامی در ادامه جنگ به صورت فعلی راشدت بخشد.

برایند مجموعه این کنش و واکنش ها، درگیریها، تشنج ها، رفت و آمدهای دیپلماتیک، و مسائل جاری در درون حکومت فقها چه خواهد بود؟ مشخصاً، سال ششم جنگ چه مافتصاتی خواهد داشت؟ به جای فرضیه ساختن بهتر است بر آنچه که می توان یقین علمی داشت تکیه کنیم: در سال ششم مسلماً آنچه که فاکتورهای بنیادی و اساسی روند جنگ را در سال پنجم تشکیل می دادند، شعاع تاثیر بیشتری خواهند داشت و بسیاری از عوامل نهان، نمودهای عریانی خواهند یافت. سال پنجم، سال تداوم بن بست بود. در سال ششم، بن بست، محرکها و متحرکهای مهمی از ماشین جنگی را دچار "کریپاز" کامل خواهد ساخت. سال پنجم، سال اعتنای جنبش ضد جنگی بود. در سال ششم مردم با شدت بیشتری در برابر جنگ و رژیم خواهند ایستاد. بن بست جنگ در سال گذشته و پیش از آن، تنها بن بست در جنگ نبود و مستقیم و غیر مستقیم از بحران عمومی رژیم و بن بست در حاکمیت جمهوری اسلامی نشات و تاثیر می گرفت. آنبایی که در درون رژیم، در برخورد با بحران حکومت و مبارزه مردم با آن، به ناچار به آینده جمهوری اسلامی می اندیشند، نمی توانند مقدماتاً آینده جنگی را در نظر نداشته باشند. این فاکتور که قویا عمل می کند، اما تجلی کمزورتی دارد، به دلیل گسترش محتوم بحران درونی رژیم، مسلماً نمودهای پررنگ تری در سال ششم خواهد داشت.

شدت جنگ در هفته جنگ

رکود و سکون نسبی حاکم بر جبهه‌های جنگ غنی هفته‌های گذشته، در هفته اخیر شکسته شد. با آنکه مدت‌هاست کانون اصلی جنگ از خشکی به دریا منتقل شده است، ولی در هفته گذشته، جمهوری اسلامی اقدام به یک تهاجم نظامی در شمالی‌ترین نقطه مرزی بین دو کشور، نمود. عملیات نظامی اخیر جمهوری اسلامی که تحت عنوان "قادر" صورت پذیرفت، روز دوشنبه ۱۸ شهریورماه آغاز شد. ستاد تبلیغات جنگ مدعی شد که نیروهای جمهوری اسلامی، طی این حمله موفق شده‌اند بیش از دو هزار نفر از نیروهای عراقی را کشته و هزاران تن را زخمی سازند. جمهوری اسلامی همچنین مدعی شد که طی این حمله ۴۵۰ کیلومتر از خاک این منطقه را متصرف شده است. و این درحالی است که به خبرنگاران خارجی فقط اجازه بازدید از ۴۰ کیلومتر این متصرفات داده شد.

در مقابل ادعاهای حکومت ایران، عراق نیز عنوان نمود که تهاجم اخیر ایران را با وارد آوردن تلفات سنگینی نظری و نظامی، خنثی ساخته است. در هفته گذشته، اخباری درباره تهاجمات کم دامنه در جبهه‌های میانی نیز گزارش شده است، و شهرهای آبادان و خرمشهر نیز، چون هفته‌های گذشته، بطور مداوم زیر آتش سلاحهای سنگین و دوربرد عراق بوده است.

بمباران خارک، ادامه دارد

عراق اعلام کرد که چنانچه‌های آن کشور طی یکماه گذشته نه بار ترمینال نفتی جزیره خارک را مورد حمله قرار داده‌اند. با آنکه صادرات نفت ایران هنوز دچار اختلال جدی نشده است، ولیکن از گزارشات خبرگزاریهای مختلف چنین مستفاد می‌شود که به اسکله نفتی واقع در پایانه شرقی جزیره خارک خسارات عمده‌ای وارد آمده است. ستاد فرماندهی ارتش عراق عنوان کرده است که به بمباران جزیره خارک تا قطع کامل صادرات نفت ایران و از کار انداختن ماشین جنگی جمهوری اسلامی ادامه خواهد داد، و با بمبارانهای متعدد امکان ترمیم مناطق آسیب دیده را از جمهوری اسلامی سلب خواهد کرد. حکومت ایران نیز در هفته گذشته اعلام کرد که یکی از مهمترین تاسیسات نفتی عراق را واقع در موصل مورد حمله قرار داده است، و ضمن قبول و تأیید بمباران جزیره خارک، مدعی شد که این بمبارانها خسارات چندانی بهار نیاروده، بلکه با آتش پدافند هوایی ایران، هواپیماهای عراقی اکثرا بمبهای خود را در آب ریخته و می‌گریزند. جمهوری اسلامی در ضمن اعلام کرد که یک فروند جنگنده عراقی را که قصد نزدیک شدن به جزیره خارک را داشته، سرنگون کرده است.

ارتش عراق ادعا کرد که روز جمعه ۲۲ شهریورماه، یک هدف بزرگ دریائی را توسط جنگنده‌های شکاری خود مورد حمله قرار داده است. در همین رابطه گزارشات تایید نشده‌ای هم حکایت از حمله ایران به یک کشتی در آبهای خلیج فارس دارد.

بمبارانهای مکرر پایانه نفتی خارک، بر تشنج در نواحی دریائی خلیج فارس، دریای عمان و تنگه هرمز، بسیار افزوده است. جمهوری اسلامی در هفته

گذشته، چهار کشتی و تعدادی شناور را متوقف ساخته و محمولات برخی از کشتی‌ها را با این عنوان که این محمولات در خدمت افزایش توان رزمی عراق بوده است، بازداشت و ضبط نموده است.

فرمانده نیروی دریائی جمهوری اسلامی، رسماً به کشورهایی که به کشتی‌های حامل کالا برای عراق پناه می‌دهند، هشدار داده و اعلام نموده است که "ما کار بازرسی کشتی‌ها را ادامه خواهیم داد و از ورود کلیه محمولاتی که به مقصد عراق حمل می‌شود، جلوگیری خواهد شد."

کشمکش‌های درون حکومت
بر سر انتخاب کابینه جدید

روز ۱۷ مهرماه، مصادف با پایان کار کابینه میر حسین موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی می‌باشد. انتخاب نخست وزیر جدید و گزینش کابینه دولت، هم اکنون محور اختلافات و کشمکش‌های درون حکومت می‌باشد. مخالفت با دولت موسوی که سابقه‌ای طولانی دارد، به هنگام انتخابات ریاست جمهوری، اوج تازه‌ای یافت و از پیرده برون افتاد. با آنکه مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی و از جمله خامنه‌ای رئیس جمهور، تاکنون از نخست وزیر احتمالی آینده سخنی به میان نیاروده‌اند، ولی در لابلای سخنان خمینی، منتظری و خامنه‌ای، مواردی به چشم می‌خورد که همتی دال بر گستردگی موج این کش و قوس‌ها است. حجت الاسلام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه هفته گذشته، در ادامه سخنان خمینی و منتظری، بطور سرپیسته، بر سر مسئله نخست وزیر آینده و کابینه جدید اظهار نظر نمود. وی عنوان کرد که انتظارات مردم را می‌توانیم با انتخاب دولتی قادر و با صلاحیت و آماده انجام مسئولیتها پاسخگو باشیم. "خامنه‌ای انتظارات مردم را مربوط به مسائل امنیتی، مسکن، شغل، رونق داد و ستد و از این قبیل دانست. و افزود "این مسائل مسئولیتهایی است که رئیس جمهور با انتخاب دقیق رئیس دولت انجام می‌دهد." وی اشاره کرد که "امروز من در صدد انجام این مسئولیت هستم و باید ... آگاهی‌ها و تجربیات چهار سال گذشته را بکار گیرم تا بتوانم افراد قادر و صلاحیت داری را انتخاب کنم و این مسئله احتیاج به یک جو آرام و سالم دارد."

لازم به تذکر است که در هفته گذشته، موسوی تحت فشار نیروهای متنفذ در حاکمیت، توسط نامه‌ای خطاب به روزنامه اطلاعات، از آن جریده خواسته بود که از چاپ آگهی‌های اعلام حمایت از دولت فعلی، اجتناب ورزیده و جوسازی نکنند. بهر حال از همه شواهد، چنین بر می‌آید که کشمکش بر سر ابقا و یا تعویض دولت موسوی همچنان با شدت ادامه دارد.

اعتراف به خرید اسلحه از آمریکا

کمال خرازی، سرپرست ستاد تبلیغات جنگ در مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران داخلی و خارجی، به خرید اسلحه از آمریکا اعتراف نمود. وی در پاسخ به سؤالاتی پیرامون جوسازی مطبوعات آمریکادورمورد جلوگیری از صدور اسلحه به ایران، صریحاً عنوان نمود که: "آنچه که مطبوعات آمریکایی تبلیغ می‌کنند، چیزی جز اعتراف صریح به وجود فساد در آمریکا نیست و نشان دهنده وجود فساد حتی در سطوح بالای

ارتش این کشور است چرا که ... در سطوح بالای مقامات آمریکائی افرادی وجود دارند که می‌توانند اسلحه‌های مدرن را از انبار بیرون بیاورند و آنرا به خریداران و بازار سپاه اسلحه برسانند." چنانکه از سخنان خرازی مستفاد می‌شود، وی نه تنها اخبار مربوط به خرید اسلحه از آمریکا را نفی نکرد، بلکه آنرا به نوعی در ارتباط با فساد در مقامات بالای آمریکادانست.

لازم به یادآوری است که سرهنگ سلیمی وزیر دفاع پیشین اعتراف کرده بود که "ما هر معامله‌ای که داریم با واسطه‌ها و با شرکت‌هاست و آن هم مشروط بر اینکه آن کشور سازنده و متبوع آن شرکت، اجازه خروج بدهند." (اطلاعات ۶۲/۵/۲۴)

اجرای احکام اعدام و مصادره
منوط به رای دیوانعالی کشور

مقتدایی عضو و سخت‌نوی شورایعالی قضایی، هفته گذشته اعلام کرد که، برحسب لایحه‌ای که هم اینک در کمیسیون مربوطه مجلس تحت بررسی است، از این پس، اجرای احکام اعدام و مصادره و استرداد بیش از دو میلیون ریال و احکام مربوط به زندان‌های طویل‌المدت، منوط به رای دیوانعالی کشور خواهد بود. مقتدایی افزود که این لایحه به مواد ۲۸۴ و ۲۸۴ مکرر لایحه قانون عالی بازرسی، اتکا داشته و همچون جرایم کیفری یک، باید برای تأیید احکام، به دیوانعالی کشور ارجاع شود.

کشف یک پانده جاعل معافیت

خبر مربوط به دستگیری ۵۰۰ نفر از جاعلین معافیت عادی و پزشکی، از میان پرسنل نظامی ارتش و افراد غیرنظامی، یکی از اخبار داغ هفته گذشته کشور بود. این افراد متهم هستند که با دریافت رشوه‌های کلان، برگ معافیت صادر می‌کردند. با توجه به اهمیت قضیه، قطعاً باید گفت که سرخ این پانده را باید در مسئولین بانفوذ مملکتی جستجو کرد، چرا که بدون جلب نظر آنها، انجام این کار اصولاً دشوار میسر نبوده است.

انفجار دو بمب دیگردر تهران

اخیراً موارد بمب‌گذاری و انفجار در تهران افزایش یافته است. به دنبال انفجار شدید ناشی از یک بمب "۷۰ پوندی" در خیابان وصال شیرازی که هفته گذشته رخ داد و منجر به مجروح شدن بیش از ۱۶ تن از مردم و وارد آمدن ضایعات و خساراتی گردید، در هفته اخیر نیز، دو بمب دیگر در نقاط پررفت و آمد تهران منفجر شد. از دو بمبی که در هفته گذشته منفجر شد، بمب اول روز چهارشنبه در حوالی پارک شهر و بمب دوم صبح روز پنجشنبه در نزدیکی شعبه بانک ملی خیابان آزادی، منفجر گردید.

لازم به تذکر است که هر سه بمب دو هفته اخیر، در اتومبیل جاسازی شده بودند؛ با انفجار این ۲ بمب، ظرف ۹ ماه گذشته، مجموعاً ۱۰ بمب در تهران منفجر شده است.

چنانکه در گذشته نیز تصریح شده است، مسئولیت بمب‌گذاری‌های سابق تهران را، نیروهای سلطنت طلبی که برای رژیم عراق مزدوری می‌کنند، برعهده دارند.



اعتصاب در کارخانه آتسفر

روز هفتم خرداد ماه چهارصد کارگر در کارخانه آتسفر جهت اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل که موجب افزایش حقوق کارگران به میزان ۱۷/۵ درصد می‌شود، اعتصاب نمودند. طرح مزبور در پی مبارزات یونانی کارگران، سرانجام مورد قبول وزارت کار قرار گرفته بود. اما مدیر اداری بایستوانه سکوت تابید امیر وزارت کار از اجرای آن جلوگیری می‌کرد. بر اثر این اعتصاب وی از کار برکنار گردید.

وحشت نماینده انتصابی

از حضور در حوزه انتخابی

در اردکان فارس، نماینده انتصابی مجلس از ترس واکنش خشمگین مردم، جرات ورود به حوزه "انتخابی" خود را ندارد. در این اواخر، بدنبال کلی مقدمه چینی و زمینه‌سازی، مسئولین طرحی ریختند تا نماینده مزبور بتواند به حوزه انتخابی خود وارد شود. مسئولین چاره‌کار را در این دیدند که میثقی همراه با نماینده شیراز به اردکان فارس اعزام کرده و اعلام کنند که قصد سفرانی دارند و نماینده انتصابی مردم اردکان را نیز زیر این پوشش و همراه این هیئت به آن منطقه وارد نمایند. مسئولین همین طرح را نیز اجرا کردند. وقتی که خبر ورود این نماینده به گوش اهالی رسید، مردم گرد آمده و به هیئت مزبور حمله کرده و همه هیئت را، ناگزیر ساختند فرار را برقرار ترجیح دهند و دیگر سفر اعزام نماینده انتصابی به حوزه انتخابیه‌اش را در سر نبروراندند.

اخراج کارمندان به بهانه صرفه جویی

به دنبال بخشنامه نخست وزیر در مورد صرفه جویی در بودجه مملکت، بسیاری از کارمندان ادارات سازمان‌های دولتی اخراج گردیده‌اند. اخراج‌های زیر از این‌گونه‌اند:

— اخراج شصت نفر از کارمندان قراردادی سازمان امور استخدامی در آخرین هفته تیرماه

— اخراج عده‌ای از کارمندان قراردادی دیوان محاسبات

— اخراج ۱۰۰ نفر از کارمندان قراردادی اداره رادیو.

— اخراج هزار و پانصد نفر که از حدود ۶ ماه پیش در شرکت نفت کاری کردند و قرار بود بعد از شش ماه کارمند رسمی شرکت نفت بشوند.

— اخراج و یا بازخرید اجباری سیصد نفر از کارمندان بویژه کارمندان زن شرکت بزرگ ماماراک که در حال تبدیل به یک شرکت دولتی است.

بی‌آبی در شهرک آزادی

شهرک آزادی، در کیلومتر ۲ جاده مخصوص تهران - کرج (بین اتوبان و جاده مخصوص کرج) واقع است. حدود ۱۲۰۰ خانوار در این شهرک زندگی می‌کنند که عموماً از کارگران شرکت واحد، آموزش و پرورش و کارخانجات ایران ناسیونال، ارج، میفو و شیشه سازی مینا می‌باشند. شهرک نامبرده که بعد از سال ۵۷ تأسیس گردیده است، از هر گونه امکانات رفاهی اولیه محروم است. بعنوان مثال آب و شبکه آبرسانی این محل از دو حلقه چاه تأمین می‌شود که توسط موتور برق کاری کند و با قطع برق، بلافاصله آب نیز قطع می‌شود.

مسئولیت آبرسانی با کمیته هفت نفره‌ای با مسئولیت امام جماعت مسجد محل و نمایندگان آن است، که مورد قبول اهالی نمی‌باشند. آن‌ها هر ماه بابت هزینه آب مبلغ ۸۰۰ ریال از خانواده‌های چهارنفره و ۱۴۰۰ ریال از خانواده‌هایی که پرجمعیت‌ترند، می‌گیرند که تقریباً دوسه برابر عرف وزارت نیرو است.

روز سه شنبه بیست و دوم مرداد ماه در ساعت ۷ صبح به دستور وزارت نیرو و به بهانه عدم پرداخت پول برق توسط کمیته، برق موتورهای دوچرخه آب محل را قطع کردند و بدین ترتیب ساکنین محل از آب محروم شدند. در بعد از ظهر همین روز اهالی محل برای اعتراض به این وضعیت در فلکه اصلی شهرک اجتماع کردند. مسئولین رژیم در محل، حاضر به پاسخگویی به مردم نشدند، مسئولین کویت‌دند تا مردم را پراکنده سازند، ولی مردم همچنان مقاومت کرده و متفرق نشدند. این اجتماع اعتراضی تا ساعت ۶ شب ادامه یافت و در پایان به پیروزی رسید. پس از عقب نشینی وزارت نیرو و آغاز کار مجدد پمپ‌های آب، مردم پراکنده شدند.

تظاهرات زنان جاده ساوه

زنان چند روستای جنب جاده ساوه بعنوان اعتراض به قطع آب، جاده را بسته و شعارهای ضد حکومتی دادند.

به ما مربوط نمی‌شود

اخیراً زمین‌های شخصی بنام سالقانی را به او بازگرداندند. این زمین‌ها در اغراف بیمارستان شماره ۲ ارتش در تهران واقع است. شخص نامبرده که در اوایل انقلاب زمین‌هایش مصادره شده بود، بلافاصله زمین‌ها را قطعه قطعه کرده به فروش رسانید. تعدادی از افرادی که این زمین‌ها را خریده بودند، در آن‌ها خانه‌سازی کردند. روی قطعانی که هنوز به فروش نرسیده بودند، تعدادی از کردها با خانواده‌هایشان، آلودگی‌هایی ساختند. صاحب زمین به شهرداری منطقه متوسل شد. در تاریخ بیستم خرداد، مامورین شهرداری و سپاه به منطقه ریخته و آلودگی‌ها را خراب کردند. ساکنین زحمتکش آنجا اعتراض نموده با سپاه درگیر شدند و یک نفر کشته شد. روز بعد کسانیکه این زمین‌ها را از سالقانی خریده بودند، همراه با کرد های ساکن آنجا به مجلس رفتند تا با رفسنجانی صحبت کنند ولی

رفسنجانی از پذیرفتن آن‌ها خودداری نمود. گفت این ساله به من و مجلس مربوط نمی‌شود، به نخست وزیر مربوط می‌شود.

آن‌ها به نخست وزیر رفتند، در نخست وزیر به آن‌ها گفتند کار شما به ما مربوط نیست به شهرداری مراجعه کنید و بدین ترتیب آن‌ها را به ارگانی رجعت دادند که از آن شاکي بودند. مراجعه کنندگان خسته و کلافه بازگشتند.

اعتراض مردم شهرک عباس آباد قرچک

در چند سال اخیر، در شهرک عباس آباد قرچک، مردم دست به خانه‌سازی زده‌اند و تاکنون بیش از دویست خانه در آن‌جا احداث شده است. این امر با مخالفت شهرداری روبرو گردیده است و به همین سبب چندی پیش مامورین شهرداری به محل آمده و ضمن ناسزاگویی، تلاش کردند از ساختن خانه‌های جدید جلوگیری کنند که با مقاومت دلیرانه مردم روبرو شدند و کاری از پیش نبردند. چند ساعت بعد از این قضیه، آن‌ها همراه با تعدادی پاسدار با تجهیزات لازم برای خراب کردن منازل در محل حضور یافتند و ده خانه را خراب کردند. طی این اقدام ضد انسانی بین آن‌ها و مردم درگیری شدیدی رخ داد که بر اثر آن ده‌ها نفر زخمی شدند، با وجود این، مردم موفق شدند پاسداران و مامورین شهرداری را وادار به عقب نشینی کنند.

ویرانگران ماسک دار رژیم

مامورین شهرداری با حمایت سپاه و ژاندارمری، تعدادی از خانه‌های خارج از محدوده خلیج مرکزی (بیمه شماره ۲) را برشم مقاومت مردم ویران کردند. افراد ویرانگر صورت خود را با ماسک پوشانده بودند.

رئیس ساواک دورژیم

سرمهنگ قنری، رئیس ساواک لاهیجان در زمان شاه معدوم بود وی پس از انقلاب دستگیر و زندانی شد و حدود دو سال پیش آزاد گردید و به تیران رفت و از آن پس در زمینه سرکوب انقلابیون کرد باج‌ا. همکاری داشته است. اخیراً او را دوباره به ست رئیس ساواک جمهوری اسلامی در لاهیجان برگزیده‌اند و وی جهت سرکوب مردم و انقلابیون عازم این شهر شده است.

اخلای از مردم به هر صورت ممکن

بعد از اعلام تعویض شناسنامه از سوی دولت، عده‌ای از مردم برای عوض کردن شناسنامه فرزندان خود به اداره ثبت احوال مشهد مراجعه می‌کنند. دولت هزینه تعویض شناسنامه را بیست تومان اعلام کرده بود ولی مسئولین اداره ثبت به مراجعین گفتند که لایق بخشنامه رسمی وزارت کشور بابت صدور شناسنامه بایستی مبلغ ۱۰۰۰ ریال پرداخت شود. این اخلای رژیم باعث اعتراضات همه روزه مراجعین به ادارات ثبت و احوال شده است.

آیا به راستی فکر می‌کنید که ما در آستانه سال دومزار و تسخیر کرات زندگی می‌کنیم؟ آیا واقعاً فکر می‌کنید ما در عصر کوانتوم‌ها و شکافتن اتم، سفر انسان با سفاین فضایی، تناسبات کامپیوتری و علم سیرنژتیک زندگی می‌کنیم؟ آیا واقعاً شما به وجود زیردریایی‌های اتی - به انرژی هسته‌ای و به درمان با اشعه نيزرو به وجود ماهواره‌ها باور دارید؟ چه باورهای خنده‌داری! این‌ها اصلاً واقعیت ندارند و مانتاکنون در خواب و رویا و پریشان خیالی بوده‌ایم و نمی‌دانستیم. دلیل می‌خواهید؟ آقای کارلوس کاستاندا از آمریکا و آقای تورج زاهدی از ایران دست به دست هم داده‌اند و در "کیهان فرمته" به طور اکمل و اصالح ثابت کرده‌اند که ما در عصر جادوگری، رمل و اضطراب و کرامات شیوخ هستیم. در واقع عصر چهارم است، جهت راهنمایی بیشتر لازم است علاقمندان را به "کیهان فرمته" خرداد ماه ۶۴ و به مقاله "در خلاف آمد عادت" ارجاع دهیم که شخصی بنام تورج زاهدی نوشته است که بعید هم نیست در یکی از حوزه‌های علمیه او را به وسائلی خوابنا کرده باشند که یک شبه ره صد ساله رفته است و برای نجات نسل جوان ایران از شر علم و دانش و تکنیک و مبارزه، نسخه‌ای پیچیده است. بنام "عرفان تطبیقی" که ببینیم چگونه پیچیده‌اند.

یکی از نوچه‌های روان پریش دستگاه‌های تحقیق‌گر آمریکا به نام "حضرت کارلوس کاستاندا" مدعی است که ده سال تمام در خدمت شخص مهجول الهویه دیکتری به نام دون خوان ماتوس "سرخوست پیر مکزیک" و وارث عرفان سرخوستی "بوده‌اند و بعنوان سالک و مرید کسب فیوض و کرامات کرده‌اند و حاصل این ریاضت‌ها و مراوت‌ها و تجربیات را در ۶ جلد کتاب گردآورده و هم اینک با تشویق و ترغیب جمهوری اسلامی در ایران در حال انتشارند که ترجمه دومجلد آن به نام‌های "سفر به دیگر سو" و "افسانه‌های قدرت" به بازار عرضه شده‌اند و حضرت تورج زاهدی برای تبلیغ آن‌ها در کیهان فرهنگی و درباره تاثیر آن‌ها بر جامعه ایران می‌نویسد:

"به مجرد انتشار کتاب سفر به دیگر سو در ایران، سروصدای زیادی درباره آن، چه در میان روشنفکران و چه در میان اقشار دیگر به پاخاست. شدت تاثیرپذیری به گونه‌ای بوده است که حتی برخی از مادیون درصدد تطبیق شیرازه تفکر خود با روش دون خوان برآمدند، عده‌ای به سوی

عرفان اسلامی روی آورده‌اند، برخی دیگر به انجمن‌هایی که مکتب‌های هندی را ترویج می‌کردند سرسپرده‌اند و گروهی هم به شیوه‌های متعدد تمرکز فکر متوسل شدند، حتی دیده شده است که کتاب در جبهه‌های جنگ نیز راه یافته است."

خوب، ببینیم این آش آمریکا پخته که کیهان فرهنگی و بالطبع جمهوری اسلامی می‌خواهند آنرا در سفره ایرانیان بچینند از چه چیزهایی درست شده؟

حضرت دون خوان می‌گوید "دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم برای شخص عادی بسیار واقعی و برای سالک غیرواقعی است" و می‌گوید برای یک سالک و مرید "دیوارهای اتاق واقعی نیست، حال آنکه در دنیای دیکتران، دیوار غیرقابل عبور است!" کارگزار ایرانی ایشان، آقای زاهدی، تاکید می‌کند که "دون خوان" اراده‌اش را به دور شیخ اتومبیل حلقه می‌کند و بدین طریق مانع از روشن شدن موتور آن می‌شود و در جای دیگر اراده‌اش را به صورت رشته نور کلفتی از شکم خارج می‌کند که برای شخص عادی قابل رویت نیست و دور صخره‌یی حلقه زده و در کمال شگفتی به بالای آن می‌چهد" حتی یکبار "دون خوان یک اتومبیل را غیب می‌کند!" بیچاره ما مردم عادی که دیوار برای مان غیرقابل عبور است! و آن "نور کلفت" را هم که از شکم آقا درمی‌آید نمی‌بینیم!

آقای زاهدی کارگزار آقای کاستاندا از آمریکایی، راه‌های دستیابی به چنین کرامات و معجزات را تشریح و با تکیه بر کتاب‌های مذکور می‌نویسد "یکی از رهنمودهای اصلی دون خوان بی‌عملی است، همه اعمالی که مردم دنیا انجام می‌دهند عمل است و اگر سالک عکس آن یعنی بی‌عملی را پیش گیرد این دنیا را متوقف ساخته و به دنیای مردان شناخت که مرعبل در آن محیر العقول جلوه خواهد کرد قدم خواهند گذاشت." بیچاره "مردم دنیا" که همه اعمالشان "عمل است" و دنیا را به حرکت درمی‌آورند، حال آنکه باید مانند "مردان شناخت" دنیا را متوقف کنند و بگذارند که نظام‌های پوسیده سرمایه‌داری و قرون وسطایی باقی بمانند تا توپره ریزه‌چینی‌های مانند آقای کاستاندا و

کارگزار ایرانی‌اش پیر باشد. بله. آقای کارگزار از زمین و آسمان برای تأیید و تبلیغ "بی‌عملی" ادله و براین و روایات شامد می‌آورد. دون خوان می‌گوید "با اهمیت‌ترین و اصلی‌ترین و تالیف‌هایی که بردوش یک سالک عرفان سرخوستی

"کرامات شیخ" و باقی قضایا...

قرار دارد اهمیت خود را از دست دادن است!" چرا که "در کل هستی تفاوتی بین یک انسان و یک سرکین غلطان نیست!" و آقای کارگزار با آوردن ادله و شواهد ثابت می‌کنند که "این همان حالت است که در سنت اسلامی فقر نام دارد!" و مرحباً به "فقر" که این همه قرب و عزت فلسفی و معنوی و عرفانی داشته است و "مستضعفان جهان" از درک آن عاجز بوده و با دست زدن به انقلاب‌ها و پویش‌های اجتماعی درصدد نابود کردن آنند. حال آنکه باید بدانند که "مردان شناخت" که با "یک سرکین غلطان" تفاوتی ندارند توصیه می‌کنند که دست به "بی‌عملی" بزنید "دنیا را متوقف" کنید که این‌ها جز "با اهمیت‌ترین و اصلی‌ترین و تالیف" انسان‌ها، بلکه جز "تکالیف شرعی" آنهاست.

دون خوان (و بالطبع کیهان فرهنگی) می‌گوید "تو همان کسی هستی که هستی!" واقعاً آفرین به این کشف و شهود که فی الواقع هم تنها در حوزه معنویت "مردان شناخت" است. بگذاریم که مردم عادی که دیوار را غیرقابل عبور می‌بینند و از دیدن آن "نور کلفت" که از شکم آقا بیرون می‌زند عاجزند ارزش اینگونه کشفیات و نکته‌های باریک‌تر از مورا نمی‌دانند و بی‌سبب می‌گویند از کرامات شیخ ما این است، شیره را خورد و گفت شیرین است.

"دون خوان اصرار بسیار دارد که شاگرد تاریخچه شخصی خود را به دست فراموشی بسپارد" و آقای کارگزار بازم با تکیه بر احادیث و آیات از خوانندگان می‌خواهد که چنین کنند! "دون خوان تصور مرگ قریب‌الوقوع را برای یک سالک (بخوان بسیجی) ضروری، دانسته و تاکید می‌کند که بدون اندیشیدن به مرگ، زندگی ملال‌آور و بدون اقتدار خواهد بود" حالا خوانندگان عزیز علت مطالعه این کتاب‌ها را در جبهه‌های جنگ واضح‌تر می‌دانند.

دون خوان اعتقاد دارد که "مرگ هر شخص همواره در کنار او به فاصله یک بازو از شانه چپش قرار دارد و هرگاه مرگ "شانه چپ را لمس کند شخص خواهد مرد" آقای کارگزار هم برای تطبیق این موضوع با "عرفان اسلامی" تلاش زیادی می‌کند که دلائلی اقامه کند اما با کمال تأسف می‌نویسد "در هیچ یک از متون اسلامی مورد مراجعه نیز به اینکه مرگ در ست چپ انسان قرار دارد برخوردیم. کربن در ارض ملکوت به این موضوع اشاره غیرمستقیم دارد هنگامی که اهریمن موفق شد که مرگ را در وجود او داخل کند کیومرث به پهلوی چپ افتاد!" البته نویسنده توجه نکرده است که با این شامد ناپه‌ا، مرگ و میر را به شیطان لظنه‌الله علیه نسبت داده، حال آنکه براساس اعتقادات ایشان مرگ از نعمات الهی است.

"در جلد دوم، دون خوان به نویسنده می‌گوید که راه رسیدن به کمال، استفاده از یکی از این گیاهان یعنی پیوت است" و آقای کارگزار ایرانی حکم می‌کند که "باید برای رسیدن به کمال از گیاهان توم‌زا استفاده کرد" و راه‌حل شیمیایی آنرا نیز ذکر می‌کنند که "باید دانست که یکی از مشتقات پیوت، ماده شیمیایی مسکالین است و آزمایش‌های مشهور با مسکالین و داروهای مشابه آن ... بالنتی همراه با پندارهای شدید از رنگ‌ها و فرم‌ها ایجاد می‌کنند" و بعد اضافه می‌کند که اگر کسی از طریق تزکیه نفس نتوانست به جانور مورد "حالات عرفانی" با مواد مخدری نظیر مسکالین و اسید لیسریک و غیره پدیدآورد" بله واقعاً هم "باید دانست!" و با بکارگیری این دانسته‌ها یک شبه به یک دون خوان ایرانی تبدیل شد. خود دون خوان در این مورد می‌گوید "تغییری که من از آن صحبت می‌کنم بتدریج اتفاق نمی‌افتد، ناگهانی است!" "تغییر، ناگهانی است. نیازی به صبر و حوصله ندارد. نسخه خیلی ساده است، مواد مخدر استعمال کن، عارف شو. به همین سادگی!"

در زمینه "تغییرات سریم" چنان تورج‌شان زاهدی شامد هم آورده است، باهم بخوانیم "بودا" یک روز عصر در سن سی و پنج سالگی در سایه درختی که بعدها به درخت حکمت معروف شد کنار شطرنج‌زارنشسته بود که به بیداری رسید "آری با نشستن زیر یک درخت و استفاده از گیاهان توم‌زا و اهمیت

مهاجرین

غمتخانه
ترک می گویند ز ادویم خویش را
مهاجرین
نه از آنکونه که جنازه بی حیات را
بل از آن دست که خورشید
ترک می گوید
نیمرخ جهان را.

برای آنکه طلوع می کند
هر جای جهان، بامدادی ست!

صف به صف باز خواهند آمد اما
شادمانه
به ز ادگاه خویش
باشعله فرآورنده بی برشانه و
ستاره سرخی برپیراهن.
باز خواهند آمد
به نیمروز شادکامی کردستان
به شامگاه هوشربای ترکمن صحرای
به سپیده دمانی
کز کوهستانهای تو برخو اهد خاست
سپهلوچستان مغوم!

برای آنکه دوست می دارد
هر جای جهان، کعبه بی ست!

غمتخانه می گذرند
از بندر گامیاب کوهستانهای مرزی
بایبیر همان خونین و
آوازهای غمگین
چه گذر گامیابی خونین و تلخ
نه از آن می باید شان گذشت
تا قلمر و صیقل دشنه ها
چه منظر گاهی که می باید شان به دیده گرفت
آنکده از فرازها و فرودها
در رده ها و پرده ها
شروه ها و سرودها

برای آنکه راه می پوید
هر جای جهان، چاده بی ست!

هزار بار از برای زندگی هلاک شدن
و هزار بار از برای مرگ
زیستن
ازینکونه درمی نوردند قلمرو و سرنوشت خویش را
در سایه ها و روشنایی ها

می کوچند
بایبیرهای پیروزمند
از ستری به ستر دیگر
در دستی آفتاب و
در دستی شمیر کشیده جان

برای آنکه می چنگد
هر جای جهان سنگری ست!

نه زندگی تنهاست
ونه مرگ
نه آزادی
ونه پرنده گان هجرتی.
زود که ناتمامان را بخورش مرگ خوراندند
و در میدان ربایش آتش در افکندند
زود که باز پس آیند
نه از آنکونه که سپاهی سرشکسته
بایبیرهای نگوئرس
بل از آن دست که خورشید بازمی آید
به قلمرو و تللمات
تا بکار دهنده های روشن ابدی اش را

برای آنکه می کارد
هر جای جهان، کشتگاهی ست!

اقتدار است تاکید می روزد و از
کاستاندا می خواهد مطابق روشی که او
می گوید عمل کند تا باد که اقتدار است
به سمت او بوزد. کاستاندا
دستور العمل را اجرا می کند و متعاقب
آن وزش باد را بر روی صورتش
احساس می کند "اینهم پنکه معنوی! و
اینهم روش آفریدن باد و توفان! حتی
آقای کارگززار هم بیعت می آورد که:
"در عرفان اسلامی نیز، عنصر باد، با
فرمول حرکت هوا در نتیجه تغییر دما
مطابقت نمی کند"

"دو خوان، کاستاندارا از این
که چیزی را در دست بگیرد منع کرده و
می گوید بهتر است آن را از گردن
آویزان کند تا دست هایش آزاد باشد"
و مطابق این توصیه درست، لازم است
که از این پس، به وقت رانندگی،
فرمان اتومبیل را به گردن آویخت و
موقع آشنایی کارد را به گردن داد تا
پیاز و سیب زمینی پوست بکند و
الی آتش.

آقای کارگززار برای آنکه شمار
صحت این مباحث دچار شک و تردید
نشوید بارها در طی مقاله عریض و طویل
نمود تاکید کرده اند که "کتابهای
کارلوس کاستاندا همگی دارای سبکی
واقع گرا هستند و نویسنده مدخل
هر بحث را با یک تاریخ مستند آغاز
می کند... گفتار دو خوان نیز
پایه های منطقی استوار است و لویاتکه
باور آن ها مشکل و یا غیر ممکن باشد و
در پایان دلیل معرفی و تبلیغ این
کتاب را در کیهان فرهنگی اینگونه
نقل می کند که "تفحص خدمتی که از آن
ساخته است. این است که واسطه ای
باشد تا محققین، به سیاق روشی که
کارلوس کاستاندا در مورد عرفان
سرخیوستی به کار بسته است،
عرفان اسلامی را در ظروفی که
باروان شناسی جدید وفق بدهد
بریزند. این موضوع کمک خواهد کرد
که خیل عظیمی از جوانان مملکت که
مخصوصا در سال های اخیر به سوی
عرفان جذب شده اند چشمه ای برای
رفیع عطش امر معنوی خویش بیابند.

نمود را از دست دادن و به مرگ
اندیشیدن و بی عملی و سایر
دستور العمل ها می توان "دنیا را
متوقف کرد" تا مبادا روند شتابنده
جهان و حرکت سیل وار تاریخ، عضا و
منیر چارانیان و یدوییشای
کاخ سفید نشینان را یک جا بشوید و
ببرد. دو خوان هم شاهد حرف ماست
"هرگاه انسان موفق شد که دنیا را
متوقف کند، موافقی از او حمایت
خواهد کرد. این موافق به صورت یک
حیوان بروی ظاهر شده اسرار جهان را
با او در میان خواهد گذاشت. ازین
پس آن حیوان حامی شخص خواهد
بود." خود حضرت دو خوان (به بخشید
و دو خوان) "حاصله ای موفق شد دنیا را
متوقف کند و قوی بر او ظاهر شد و با
ی حرف زد". حتی شاکر دو خوان
که همان کاستاندا باشد "پس از اینک
به توصیه دو خوان چند روزی در
و هستان گذراند، ناگهان گرگی ظاهر
شد و با او به گفتگو پرداخت" بله،
زمان قوچ ها و کرک هاست حتی
در ایا نیشاد، عارفی به صورت قوچی
شده، می آید و میداناته را به عالم
مشت می برد. برای آنکه کاملاً باور
نمید که چنین چیزهایی شدنی است.
مخ اکبر محی الدین بن عربی در صفحه
۴۲ از جلد دوم فتوحات مکیه چنین
نقته است "... پرنده گان زیبایی را
بدم که در زوایای عرش در پروازند و
در میان آن ها پرنده ای را مشاهده
کردم که از بهترین پرنده گان بود. آن
من سلام کرد و به من چنین القا شد
که در صحبت وی به بلاد شرق رهسپار
وم... و او همان پرنده ای است که به
خواست خدا در صحبت من خواهد
بود."

با خواندن کتاب مورد نظر
جمهوری اسلامی معلوم می شود که
بیهوده نیست بعضی ها مرگ بعضی
دیتر را هم تبریک می گویند هم
تسلیم، چون این هردو برابرند.
آقای دو خوان می گوید "در نظر
شخصی که به مراتب بالا، کمال رسیده
باشد، کرب و خند، غم و شادی، مرگ و
زندگی... کاملاً برابر است و هیچ
یک را بر دیگری برتری نیست."

"دو خوان بر اینک باد،

مصاحبه "اکثريت" با عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

"این جنگ باید بی درنگ متوقف شود!"

بقیه از صفحه اول

چندی قرار دارند، نحوه حرکت حزب حاضر اهمیت بود.

بر این اساس حزب تلاش زیادی برای بسیج نیروهای مختلف ملی در مبارزه علیه استعمار نمود و در این راستا استراتژی و تاکتیک حزب موفقیت آمیز بود و منجر به قیام سال ۱۹۴۸ بر علیه قرارداد پورت اسمور و لغو این قرارداد گردید. البته این موفقیت تنها بخاطر جمع آوری تمام نیروها و اقلیت های مذهبی و ملی تحت رهبری نیروهای پیشرو و حزب کمونیست عراق حاصل شد.

اولین شهید حزب، دختر، که بنام "دختر پیل" مشهور شد، در جریان همین قیام بر روی پیل بغداد شهید شد. در نتیجه این قیام دولت تشکیل شد اما حزب آماج حمله دشمنان قرار گرفت. حزب شهدای زیادی تقدیم جنبش کرد که در راس آنان رهبران فراموش نشدنی حزب رفیق فهد، رفیق زکی بسیم و رفیق محمد حسن شیخی بودند. ولی مردم از پا نایستادند، آنان در ۱۹۵۲ و ۱۹۵۶ بار دیگر قیام کردند و بالاخره در ۱۵ ژوئیه ۱۹۵۸ توانستند انقلاب را به ثمر برسانند.

حزب ما در تمام مراحل زندگی خود، بخاطر محبوبیت آن در داخل عراق و بدلیل اهمیت و نقش آن در خاورمیانه و همچنین به لحاظ طرح شعارهای دقیق در برخورد با سبیل و مبارزه طبقاتی، همیشه آماج حمله امپریالیسم و مرتجعین منطقه بوده است.

در اینجا مایلیم مختصری نیز درباره پیوند نزدیک مبارزه در دو کشور همسایه ایران و عراق صحبت کنم. شما می دانید که قیام های مردم عراق در دهه ۵۰ تحت تاثیر جنبش ملی شدن نفت در ایران و روی کار آمدن دولت مصدق بود. این جنبش موجب حاد شدن مبارزه طبقاتی در کشور ما

گردید. هژمونی که بر اثر کودتا، زامدی بر سرکار آمد تاثیرات منفی بر روی جنبش مردم عراق گذاشته شد. همانطور که می دانید حزب کمونیست عراق با دومین حمله علیه حزب در سال ۱۹۶۲ مواجه گردید و رهبران حزب اعدام شدند. ولی علیرغم آن حزب توانست خود را حفظ کند، مردم را متحد سازد و ۱۰ سال بعد در دولت حضور داشته باشد. متأسفانه همکاری ما با حزب بعث و احزاب پور ژوازی بخاطر بافت حزب بعث متوقف شد و ما از سال ۱۹۷۷ در مقابل آن با صورت مستحاطه ایستاده ایم.

س: موضع حزب شما در مقابل جنگ ایران و عراق چگونه است؟

ج: پس از انقلاب مردم ایران، برای ما تمام شواهد دال بر آن بود که صدام می خواهد برای درهم شکستن انقلاب ایران و کمک به روی کار آمدن رژیم مانند رژیم شاه در منطقه، جنگ را علیه ایران آغاز کند. حزب ما درست دو روز پس از آغاز جنگ اعلام نمود که این جنگ باید بی درنگ متوقف شود و سربازان به مرزهای بین المللی بازگردانده شوند.

در آغاز، شروع جنگ تجاوزکارانه از سوی عراق بوده است ولی اکنون هر دو تجاوزکار هستند. ما فکر می کنیم که تمام قدرت ما باید برای متوقف نمودن جنگ مصروف شود.

شعار حزب ما در این لحظه اینست: ما مبارزه می کنیم که جنگ متوقف شود بدون در نظر گرفتن اینکه رژیم صدام بر سرکار باشد یا نه. ما تلاش می کنیم که این رژیم سرنگون شود بدون توجه به اینکه جنگ ادامه دارد یا نه؟

س: وضعیت مبارزه در ایران را

چگونه ارزیابی می کنید؟

ج: ما اخبار ایران را به دقت دنبال می کنیم. ما به شایع برای حرکت اخیرتان (انتشار بیانیه مشترک سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران) تحریک می گوئیم و فکر می کنیم این حرکت گام مهمی به سمت پیروزی خواهد بود.

ما معتقدیم که در ایران کنونی تشکیل جبهه چپ در پیشبرد پیروزمندانه مبارزه علیه رژیم اهمیت ویژه ای خواهد داشت. و با توجه به تجارب، ما فکر می کنیم که همه نیروهای میهن پرست باید متحد شوند و هیچ نیرویی نباید کنار گذاشته شود. بنادر هرکس علیه رژیم است و همه کسانی که علیه جنگ هستند، متحد شوند. این شعارها تمام نیروهای میهن پرست را بدور خود جمع خواهد نمود. ما فکر می کنیم این اتحاد قادر خواهد بود که عمر رژیم را در ایران کوتاه کند. این پیروزی و دست یابی به استقلال و آزادی با اتکا به مبارزه توده های مردم ایران بدست خواهد آمد. این نظر ما در خارج از ایران است. البته ما می دانیم که مشکلات ملی متعددی در این رابطه وجود دارند که رفقای فدایی و توده ای که ما به تشخیص آنان اعتماد کامل داریم، سبیل راه دوستی ارزیابی می کنند.

س: همانطور که می دانید در ایران اعتراضات ضد جنگ مردم در شهرهای مختلف فزونی یافته است و رژیم جمهوری اسلامی ناتوان از مقابله با این جنبش به اختناق و سرکوب هر چه بیشتر، روی آورده و اخیراً در تدارک اعدام های هر چه وسیع تر است. در آستانه ششمین سالگرد جنگ نظرتان را در مقابله با این روند اظهار نمایند.

ج: رفقا، هر چه جنگ ادامه یابد، این چنایات نیز ادامه خواهد

داشت. هر چه جنگ ادامه یابد و رژیم از سلاح های مخربتری استفاده خواهند کرد و فشار و رنج جنگ را کارگران و دهقانان بر دوش خواهند کشید. ما باید برای مقابله با این وضع تلاش های خودمان را برای پایان دادن به جنگ افزایش دهیم. این بدان معناست که ما باید در داخل و خارج کشور حرف و حرکت خودمان را هماهنگ کنیم. فعالیت های ما باید هر چه نزدیکتر شود، چون درد مایکی است. ما نباید حرکات کوچک را فراموش کنیم. با خبرنگاران صحبت کنیم. حرکت همبستگی علیه رژیم ایران و عراق را تدارک ببینیم تا زمینه برای ایجاد یک جنبش بین المللی ضد جنگ فراهم شود.

احساس مادر مورد میهن پرستانی که در زندان های رژیم خمینی تحت شکنجه های جسمی و روانی قرار دارند بدون در نظر گرفتن این که این افراد از فداییان هستند یا از حزب توده یا از سایر نیروهای میهن پرست، احساس همبستگی است و ما همبستگی خود را تا نهایت ادامه خواهیم داد. ما هرگونه تلاشی را برای نجات جان این زندانیان انجام خواهیم داد.

س: همانطور که در جریان قرار گرفتید، رژیم جمهوری اسلامی حکم اعدام چهار نفر از اعضای کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) از جمله رفیق انوشیروان لطفی و رفیق رضی الدین تاهان را در پشت درهای بسته صادر نموده است. مردم مانسبت به سرنوشت آنان نگران هستند. نظرتان در این رابطه چیست؟

ج: ما در حزب کمونیست عراق آماده ایم که بزودی اعلامیه ای در مورد احکام اعدام رفقای فدایی خطاب به تمام اقشار مردم عراق صادر نماییم، و در صحنه بین المللی ما به عراقی ها خواهیم گفت که در تمام اعتراضات شما علیه این احکام همکاری همه جانبه خویش را ادامه دهند.

دانشجویان مؤلفند به مثابه گردانی از جنبش دمکراتیک و توده ای در مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران و در اس آن جنبش ضد جنگ مشارکت فعال داشته باشند.

دانشجویان پیشکام و مبارز و تبلیغ دارند در جهت احیای جنبش انقلابی دانشجویی و ایفای نقش شایسته آن در مبارزات مردم ایران برای سرتوئی رژیم جمهوری اسلامی با تمام قوا تلاش کنند.

همه اشکال تبلیغی سیاسی ممکن خنثی نمود. توده دانشجویان باید در جریان تحولات جامعه مبارزات توده های مردم و مواضع جنبش انقلابی ایران قرار گیرند. مبارزات دانشجویی نباید و نمی تواند در چارچوب مسایل دانشگاه محصور بماند. پیوند با جنبش توده ای و پشتیبانی و مشارکت فعال در مبارزات توده ها از سنن پرافتخار جنبش دانشجویی میهن ماست. توده

گسترش و رشد مبارزات صنفی و سیاسی قرار داد. مساله مرکزی ایجاد تشکل توده ای و دمکراتیک دانشجویی است. صرف نظر از آن که از کدام راه ها، حول کدام خواست ها و طی کدام اشکال آغاز شده و گسترش یابد. پیشبرد و تالیف یاد شده با تبلیغ گسترده و مستمر سیاسی توسط نیروهای انقلابی در دانشگاه پیوند تنگاتنگ دارد. محیط رعب و وحشتی که رژیم در دانشگاه ها ایجاد کرده است را باید با

در راه گسترش...بقیه از صفحه آخر
تشکل های پایدار تبدیل شوند.

هدف نهایی ایجاد اتحادیه مستقل دانشجویان و شوراهای دمکراتیک دانشگاه است. برای رسیدن به این هدف راه درازی در پیش است. امروز باید با تمامی ابتکارات و استفاده از تجارب گذشته هر نوع تشکل ممکن حول مبارزه در راه خواست های دانشجویان را در خدمت

دوازدهم سپتامبر (۲۱ شهریور) یازده سال از انقلاب اتیوپی که منجر به سرنگونی رژیم هایل سلاسی امپراتور این کشور گردید، گذشت. بدین بهانه، نگاهی داریم به اتیوپی، کشوری که اینک بر زمینه‌ای از یک تمدن ۲ هزار ساله با کامهای استوار به سوی آینده‌ای روشن پیش می‌رود. اتیوپی با ۱/۲ میلیون کیلومتر مربع وسعت، در یکی از حساس‌ترین مناطق استراتژیک قاره سیاه که بدان "شاخ آفریقا" لقب داده اند واقع شده است. جمعیت این کشور اکنون حدود ۲۵ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. بزرگترین شهر اتیوپی، آدیس آبابا پایتخت آن است که ۱/۲ میلیون نفر یکنه دارد. بخشهای گسترده‌ای از خاک اتیوپی، خشک و بی حاصل است. تمدن قدیمی اتیوپی (حبشه) حاصل آمیزش دو شیوه زندگی است. زاران سال پیش، گروهیایی از اقوام سامی از شبه جزیره‌ای که اینک ریستان در آن واقع است، به اتیوپی وارد شدند. اینان در کنار مردم بومی این منطقه، یک تمدن چند بیتی را پایه گذارند. حدود پانصد سال پس از تولد مسیح، حبشه به یک امپراتوری و بزرگترین قدرت سیاسی و نظامی منطقه تبدیل شده بود. صدها سال سلسله‌های گوناگون بر این امپراتوری حکم رایی کردند.

در اواخر قرن نوزدهم، استعمارگران ایتالیایی در تلاش برای تبدیل حبشه به یک تحت حمایت به دنبال مقاومت دلیرانه مردم این کشور شکست خوردند. سن مبارزاتی استقلال طلبانه، آزادیخواهانه و ضد امپریالیستی اتیوپی به این دوره از پیکار پیروزمند علیه ایتالیا بازمی‌گردد. در پایان قرن نوزدهم، اتیوپی تنها شور آفریقا بود که میان قدرتهای استعماری تقسیم نشده بود.

در دوم نوامبر ۱۹۲۰، هایل سلاسی به عنوان امپراتور اتیوپی تاجگذاری کرد. وی در طول ۴۴ سال حکومت خود، علی‌رغم برخی اقدامات تهاجمی تجد طلبانه، در خدمت بقیه فتودال اتیوپی قرار داشت. وی با هدف جلوگیری از یک جنبش وحدت ملی، که می‌توانست موقعیت رژیمش را به خطر افکند، به اختلافات قومی و مذهبی موجود دامن می‌زد.

از ۱۹۲۰ به بعد، فاشیسم ایتالیا با هدف تسلط بر شاخ آفریقا تسخیر اتیوپی را مد نظر گرفت. این نقشه در سال ۱۹۳۵ عملی گردید و در پنجم ماه مه ۱۹۳۶، نیروهای موسولینی به آدیس آبابا رسیدند.

هایل سلاسی از کشور گریخت. علی‌رغم مقاومت قهرمانه مردم اتیوپی، این کشور بطور کامل به اشغال استعمارگران ایتالیایی در آمد. پس از آنکه نیروهای بریتانیا در آوریل ۱۹۴۱ ایتالیایی‌ها را به عقب راندند، از سوی بریتانیا در ازای برگرداندن قدرت به هایل سلاسی قراردادی به اتیوپی تحمیل شد که تسلط

استعمار فرتوت انتلیس بر اقتصاد این کشور را تضمین می‌کرد.

در سال ۱۹۵۵، یک خشکسالی وسیع باعث مرگ نزدیک به ۲۰۰ هزار تن از مردم اتیوپی گردید. رژیم هایل سلاسی از یک سو کشور را در عقب ماندگی و فقر مطلق تکه داشته و از سوی دیگر، در عرصه سیاست خارجی هرچه بیشتر به امپریالیسم آمریکا نزدیک می‌شد. مستشاران آمریکایی کنترل ارتش و سایر موسسات اتیوپی را در دست داشتند. در اسره، آمریکایی‌ها



بزرگترین مرکز مخابراتی خود در خارج از خاک آمریکا را ایجاد کردند. اتیوپی به یکی از عوامل مهم در نقشه‌های پنتاگون برای کنترل دریاء سرخ و بخش وسیعی از اقیانوس هند تبدیل شد.

در سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴، خشکسالی گسترده دیگری به مرگ بیش از ۴۰۰ هزار روستایی در مناطق "وولو" و "تیکره" انجامید. افزایش بهای برخی کالاها در آغاز ۱۹۷۴، موجی از اعتصاب رانندگان، معلمان و دانشجویان را برانگیخت. نیروهای سرکوبگر رژیم با حمله به تظاهرات اعتصاب کنندگان پیش از چهل تن از آنان را به قتل رساندند. اندکی بعد، موج جنبش توده‌ای علیه رژیم سراسر کشور را فرا گرفت. وعده هایل سلاسی مبنی بر تشکیل مجلس موسان و

برقراری سلطنت مشروطه نیز نتوانست جلوی این جنبش را بگیرد. اتحادیه‌های کارگری اعلام اعتصاب عمومی کردند. در مقابل، رژیم هر چه بیشتر به خشونت متوسل شد. صدها تن از شرکت کنندگان در شورشهای دهقانی در مناطق گوناگون کشور که در اعتراض به بی‌توجهی رژیم به روستاهای فحطی زده برپا شده بود،

به دست ارتش هایل سلاسی قتل عام شدند. دانشنامه‌ها توسط رژیم تعطیل شد. سانسور شدید برقرار گردید و دیپلماتهای کشورهای سوسیالیستی از اتیوپی اخراج شدند.

در ژوئن ۱۹۷۴، کمیته مشترکی از نیروهای مسلح کشور تشکیل شده و در عرض مدت کوتاهی، پشتیبانی توده‌ای، وسیعی بدست آورد. یک عملیات سریع نظامی در ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۴، به سلطنت هایل سلاسی و حکومت رژیم فتودالی در اتیوپی پایان داد.



در بیستم دسامبر ۱۹۷۴، شورای نظامی موقت اتیوپی بیانیه‌ای منتشر ساخت و طی آن اعلام نمود دولت اتیوپی سوسیالیسم را به عنوان مشی سیاسی خود می‌پذیرد. دولت اولریت دادن به منافع جامعه در برابر منافع فرد، برقراری کنترل دولتی بر منابع طبیعی لازم برای رشد اقتصادی کشور و رشد فرهنگی برپایه برابری خلقهای مختلف ساکن در اتیوپی را از اهداف خود اعلام کرد.

از آغاز ۱۹۷۵، دولت اتیوپی اجرای برنامه ملی کردن موسسات مالی، تجاری و صنعتی کشور را آغاز نمود. در همان سال، فرمان اصلاحات ارضی صادر شد که به موجب آن، همه املاک مزروعی از مالکیت فتودالی بیرون آمد. برای نخستین بار در سال ۱۹۷۵، اول ماه مه در اتیوپی جشن

گرفته شد. در ۲۱ آوریل ۱۹۷۶، دولت اتیوپی "برنامه انقلاب ملی - دمکراتیک" را اعلام نمود که هنوز کار پایه انقلاب اتیوپی به شمار می‌رود.

در آغاز سال ۱۹۷۷، تونگه کودتای ضد انقلابی در اتیوپی با شکست مواجه شد. رهبران کودتا که ژنرال بتلی رئیس جمهور سابق در میان آنها بود، دستگیر شده و به مجازات رسیدند. بدنبال آن، شورای موقت نظامی اعلام کرد که منکستو هایل مریم به عنوان رئیس این شورا برگزیده شده است. چند ماه بعد، در نوامبر ۱۹۷۷، تونگه کودتای دیگری به رهبری آتافو آباته، معاون رئیس شورای نظامی، شکست خورد و وی در جریان آن به قتل رسید. امپریالیسم و ارتجاع منطقه که منافع خود را مغایر با تحکیم دولت انقلابی اتیوپی می‌دیدند، در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸، رژیم ماجراجوی زیاده‌پاره در سوماتی را به تجاوز علیه اتیوپی در اکادن تحریک و تشویق کردند. این تجاوز، با پیروزی نظامی نیروهای اتیوپی در مارس ۱۹۷۸، با شکست کامل مواجه شد. انقلاب اتیوپی آزمون سخت دیگری را از سر گذراند. دفع تجاوز سوماتی، به دولت اتیوپی امکان داد تا توجه خود را به حل مسایل و دشواریهای عظیم اقتصادی به ارث رسیده از رژیم فتودالی مبدول دارد.

سازماندهی زحمتکشان برای دفاع از انقلاب

تشکیل "کمیسیون سازماندهی حزب مردم زحمتکش اتیوپی" در دسامبر ۱۹۷۹، کام مهمی در تثبیت روند انقلابی در این کشور به شمار می‌رود. این کمیسیون توانست در عرض مدتی کمتر از پنج سال، به امر نظیر تشکیل حوزه‌های حزب کارگر اتیوپی در سراسر کشور به منظور سازماندهی زحمتکشان برای دفاع از انقلاب، بپردازد. سال گذشته، پنج سال فعالیت خستگی‌ناپذیر و کار وسیع و اساسی برای تشکیل گردان پیشاهنگ زحمتکشان اتیوپی به ثمر رسید و "حزب کارگر" نخستین کتیره خود را با پیروزمندی برگزار کرد. تشکیل حزب کارگر اتیوپی، تضمین عملی ادامه روند انقلابی در این کشور و برگشت‌ناپذیر کردن آن به شمار می‌رود. بدیهی است که پارسلین عقب ماندگی ناشی از تسلط مطلق فتودالیسم کتانه (سال پیش ادامه داشت)، هنوز بقیه در صفحه ۱۰.

وضعیت رژیم خمینی از دیدگاه مطبوعات و رسانه‌های غرب

بقیه از صفحه ۹

همه آنها آشکار می‌سازد. آنها تقریباً به اتفاق، تبلیغات خویش را روی "قابل تحمل بودن رژیم خمینی"، "عادی بودن زندگی در ایران" و "متمرکز ساختن در شرایطی که رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی، با ادامه جنگ خانمانسوز، با برقراری خفقان و ترور، با سیاستهای اقتصادی، خانه خراب کن، با تلاش برای تسهیل عقب مانده ترین اندیشه‌های پوسیده فئودالی در همه عرصه‌های زندگی، در میان مردم ایران چربانفرت و خشم روبرو نیست و در عرصه‌های مختلف به بن بست رسیده است، تمرکز تبلیغاتی رسانه‌های امپریالیستی حول محورهای یاد شده قابل توجه است:

"اشپیتل" در آغاز مقاله خود بطور سبلیک، تصویری از بازار تهران ترسیم می‌کند. در عتنامی که خبرنگار با یک بازاری سرگرم گفتگو است، صف تشییع جنازه چند تن از قربانیان جنگ با عربده گوسخراس "جنگ جنگ تا پیروزی" می‌گذرد. خبرنگار آن را بی‌شبهات به هرگونه

وداع با کشتگان توصیف می‌کند. صاحبان حجره‌ها و فروشناها، بی‌معطلی کرکره‌ها را پایین می‌کشند و منتظر می‌مانند تا صف بگذرد. وقتی صف تشییع جنازه گذشت، بلافاصله کرکره‌ها بالا می‌رود. بازار به کار و کسب عادی خود باز می‌گردد. "انتار ابرسیاهی بوده که گذشته است."

خبرنگار این صحنه را عدا در ابتدای گزارش خود آورده تا به آن اهمیت نمونه‌وار بدهد. او وضع کنونی ایران را چنین ترسیم می‌کند که "بدیده‌های غیر عادی" باعث نتردیده تا اقتصاد ایران، یا به عبارت بهتر سرمایه‌داری ایران، بقول خودش "سکته" کند. "اشپیتل" می‌گوید آنچه مهم است، سمت گیری کنونی در اقتصاد است، بقیه قضایا مثل اهر سیاهی می‌گذرد. این، حال و هوای همه گزارشهایی است که رسانه‌های غرب اکنون درباره ایران منتشر می‌کنند. "تایم" تحوا، مطلوب خود را به "اکثريت مردم ایران" نسبت می‌دهد که گویا "کمتر توجه به تغییر حکومت دارند." اما می‌خواهند وضعیت

اقتصادی بهبود یابد. "بهبود وضعیت اقتصادی" از دیدگاه مفسرین بورژوازی، ادامه همین روندی است که رژیم جمهوری اسلامی طی سالهای اخیر در پیش گرفته است. "اشپیتل" آن را چنین تصویر می‌کند:

"هر کس پول دارد، جرات می‌یابد ثروت خود را بار دینتر با احتیاط به نمایش بگذارد. تعداد زیاد ثروتمندانی که مانده‌اند تعجب‌آور است. آن عده از اغنیاء که در دوران شاه سرشناس نبودند، اموالشان را حفظ کرده‌اند. تازه بدوران رسیده‌های رژیم هم از نشان دادن علائم ثروتشان شرمی ندارند. آخوندهای سوار مرسدس بنز و ب. ام. و دینتر جالب توجهی نمی‌کنند. صاحب یک مغازه می‌گوید: "بالاخره خود محمد هم سرمایه‌دار و تاجر ثروتمندی بود." این صاحب مغازه، از یک خانواده ثروتمند قدیمی است که نه تنها خود را با رژیم وفق داده، بلکه حکومت آیت الله تایید می‌کند." تایم و اشپیتل

پیام می‌دهند که برای سود بردن از وضعیت سیاسی و اقتصادی رژیم خمینی، می‌توان با کمی غرولند "آخوندی را که به نماز بیشتر اهمیت می‌دهد تا راه انداختن به موقع کارها" در مواضع تصمیم گیری تحمل کرد. البته کادرهای "سته رفته" تکنوکرات که درس اداره اقتصاد سرمایه‌داری را به موقع در دانشگاههای اروپا و آمریکا خوانده‌اند ترجیح دارند. اما حالا که "ملاهای نادانی که مسائل را نمی‌فهمند تا چه رسد که آنها را حل کنند" در تامين منافع ماچنین اشتیاقی از خود نشان می‌دهند، نباید دستان را پس زدن نگران افکار عمومی هم نباشیم! ضمن اینکه باید روی تغییراتی که می‌تواند "کاستی" و "مشکلات" را رفع کند حساب کرد. مثلاً روی جناحی که حاضر به تحمل انتقاد است، "میان‌رو" است و... گزارش "اشپیتل" بدین منوال به خیمه شب بازی انتخابات ریاست جمهوری، و "انتقادات" کاشانی از دولت موسوی پرداخته است. ●

اتیوپی، بسوی آینده‌ای روشن

بقیه از صفحه ۹

بردش جمهوری، جوان اتیوپی سنتینی می‌کند. هنوز این کشور نتوانسته است عواقب خشکسالی‌های عظیم را که هر چند سال یک بار به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه کشور دامنگیر آن می‌شود، تحت کنترل بگیرد. البته کام‌های اساسی در این راه برداشته شده است. در اتیوپی از زمان انجام اصلاحات ارضی بدین سو، ۲۷ هزار تعاونی کشاورزی تشکیل شده است که تحت حمایت مالی دولت قرار دارند. همچنین ۲۵۰۰ واحد تولیدی دولتی کشاورزی ایجاد شده است که به اتفاق تعاونی‌ها، در اجرای برنامه‌های کشاورزی شرکت می‌جویند. در سال ۱۹۷۸، "کارزار انقلابی ملی برای رشد اقتصادی" آغاز شد و در چارچوب آن، طی سه سال، نزدیک به ۵۰۰ هزار هکتار زمین بایر زیر کشت درآمد. انتظار می‌رود که تا پنج سال دیگر، مساحت کل اراضی احیا شده به ۱/۵ میلیون هکتار برسد. تولید قهوه، که صادرات عمده اتیوپی را تشکیل می‌دهد، پیوسته رو به افزایش بوده است. در آغاز دهه ۸۰ میزان افزایش سالانه تولید این محصول به بیش از ۳۰ درصد بالغ شد.

دولت اتیوپی دست به تلاش گسترده‌ای برای ساختمان صنایع ملی زده است. نخستین برنامه در این مورد، که ۲۷ درصد افزایش تولید صنعتی در عرض ۲ سال را پیش بینی می‌کرد، با موفقیت به پایان رسید. صنایع اتیوپی را عمدتاً تولید منسوجات تشکیل می‌دهد.

بنا به آمار یونسکو، پیش از انقلاب اتیوپی ۹۵ تا ۹۸ درصد مردم این کشور بی‌سواد بوده‌اند. از میان ۹ میلیون کودک و نوجوان در سنین مدرسه، تنها ۵۰۰ هزار تن به تحصیل اشتغال داشتند. در سال ۱۹۷۹، بزرگترین کارزار سوادآموزی تاریخ آفریقا در اتیوپی آغاز گردید. در آن زمان، شمار بی‌سوادان در اتیوپی ۲۸ میلیون نفر تخمین زده شد. در سپتامبر ۱۹۷۹، ۴/۶ میلیون نفر بطور منظم در کلاس‌های سوادآموزی شرکت می‌جستند. تا اکتبر ۱۹۸۰، با پایان مرحله چهارم این جنبش، هشت میلیون تن از مردم اتیوپی خواندن و نوشتن آموخته بودند. آموزش سواد در اتیوپی به پنج زبان رایج در این کشور انجام می‌گیرد. شمار دانش‌آموزان و مدارس نیز در اتیوپی از پیروزی انقلاب تاکنون چندبرابر شده است. هر سال حدود ۵ هزار معلم جدید دوره

آموزشی خود را به پایان رسانده و تدریس را آغاز می‌کنند. دانشگاه آدیس آبابا پیش از ۲۰ هزار دانشجو دارد که در کلاس‌های روزانه و شبانه درس می‌خوانند. تنها در فاصله ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۰، بیش از چهار هزار دانشجوی اتیوپیایی در خارج از کشور - عمدتاً در کشورهای سوسیالیستی - تحصیلات خود را به پایان رسانده و به کشور بازگشتند.

پس از انقلاب، در عرض چهار سال شمار پزشکان در اتیوپی دوبرابر شده و تعداد کلینیک‌ها ۷۵ درصد افزایش یافت.

کمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در پیشرفت‌های اتیوپی انقلابی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده است. این کمک، به ویژه در سال گذشته، هنگام بروز فاجعه خشکسالی در مناطق وسیعی از قاره آفریقا که بخشی از خاک اتیوپی را هم دربرگرفت، ابعاد عظیمی به خود گرفت. روزانه هواپیماهای اتحاد شوروی، آلمان دموکراتیک، چکسلواکی و سایر کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی محموله‌های بزرگ غله به فرودگاه‌های اتیوپی می‌رساندند و کشتی‌های غول‌پیکر بار خود را در بنادر این کشور خالی می‌کردند تا توسط کامیون‌های امدادی

کشورهای سوسیالیستی، به مناطق قحطی‌زده حمل گردد. دولت اتیوپی، به اعتراف رسانه‌های گروهی غرب و به تصریح نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی، با تلاش شبانه‌روزی از عهده و تحیف دشوار رساندن کمک‌ها در شرایط وجود حداقل راه‌های ارتباطی برآمد. علاوه بر این اجرای برنامه بزرگ مقیاس کوچ دادن روستائیان مناطق خشک به مناطق حاصلخیزتر، آغاز شد. این درحالی است که هیچ یک از دیگر کشورهای آفریقایی که با مشکل خشکسالی مواجه شدند، عملاً نتوانستند اقدام موثری در مقابله با آن انجام دهند. نظام سیاسی و اجتماعی اتیوپی برتری مطلق خود را نسبت به همسایگان این کشور نشان داد. اینک اتیوپی، که به رهبری "حزب کارگر" سوسیالیسم را سمت گرفته است، در آغاز مسیر طولانی به سوی غلبه نهایی بر فقر و عقب ماندگی قرار دارد. مشکلات این راه بسیار است، اما آنچه به اتیوپی در مبارزه با این دشواری‌ها توان مضاعف می‌بخشد، عزم راسخ مردم، حزب و دولت انقلابی این کشور مبنی بر ادامه روند انقلابی و پیشروی در مسیر رشد غیر سرمایه‌داری است. مسیری که جز آن راهی برای پیشرفت و شکوفایی وجود ندارد. ●

کنفرانس وزرای خارجه

جنبش عدم تعهد به کار خود پایان داد

در روز یکشنبه ۱۷ شهریور، هشتمین کنفرانس عادی وزرای خارجه جنبش کشورهای غیرمتعهد در لواندا پایتخت آنگولا با صدوریک بیانیه مشترک به کار خود پایان داد. در بیانیه، اراده کشورهای غیرمتعهد برای تشدید تلاشهایشان در راه تضمین صلح، خلع سلاح عمومی و کامل و پیشرفت، مورد تاکید قرار گرفته است. کشورهای شرکت کننده اعلام کردند همچنان برای تحکیم وحدت و انسجام این جنبش خواهند کوشید.

در کنفرانس لواندا، نمایندگان دولت های ۹۵ کشور و سازمان عضو جنبش و نیز یازده هیات ناظر و ۲۱ هیات میهمان شرکت جستند. شرکت اینچنین گسترده اعضا در کنفرانس، که در تاریخ جنبش عدم تعهد کمتر سابقه دارد، از نظر مفسرین به عنوان احترام عمیق به مبارزه مردم آنگولا قلمداد گردید.

موقعیت خطرناک در جنوب قاره آفریقا، در گردهایی غیرمتعهد توجه زیادی به خود جلب نمود. تقریباً همه ۹۵ سخنران جلسات چهار روزه، متفق القول بودند که آفریقای جنوبی، منشأ عدم ثبات در منطقه است و به سیاست تجاوزکارانه خود همچنان در ابعاد سابق ادامه می دهد. آن ها همچنین تأییدشان کردند که رژیم پرتوریا تنها با پشتیبانی دولت های امپریالیستی است که می تواند بر این مشی پافشاری نماید. نمایندگان جنبش عدم تعهد تاکید ورزیدند آپارتاید قابل اصلاح نیست و باید از میان برداشته شود.

کشورهای غیرمتعهد قطعاً خواهان پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی به راه انداخته شده توسط امپریالیسم شدند. کنفرانس، از قدرت های اتمی خواستار قطع فوری تولید سلاح های اتمی گردیده و تاکید نمود باید از بروز جهنم هسته ای که همه بشریت را به کام خود فرو خواهد برد، جلوگیری کرد. جنبش عدم تعهد، به ضرورت پیشگیری، از "جنگ ستارگان" اشاره نمود.

غیرمتعهدان نسبت به ادامه وخامت اوضاع اقتصادی از منتهای برگزاری هفتمین اجلاس سران جنبش در دهلی در سال ۱۹۸۳، ابراز نگرانی کردند و تأییدشان ساختند بحران شدید اقتصاد سرمایه داری با شدت ویژه ای دامن کشورهای رشدیابنده را می گیرد. در چنین موقعیتی، ایجاد نظام نوین اقتصادی بین المللی ضرورت حیاتی دارد.

در کنفرانس لواندا تصمیم گرفته شد هشتمین اجلاس سران کشورها و دولت های جنبش غیرمتعهدان در سال ۱۹۸۶ در هارره، پایتخت زیمبابوه، برگزار گردد.

رئیس کنگره ملی آفریقا

تأیید آپارتاید می جنگیم

الیور تامبو، رئیس کنگره ملی آفریقا، اخیراً در مصاحبه با مجله آمریکایی نیوزویک به پرسش های

خبرنگار این نشریه درباره اوضاع جاری آفریقای جنوبی و مواضع کنگره ملی آفریقا پاسخ داد. وی در جواب این سوال که آیا دولت بوتوا در برابر فشار اقتصادی و سیاسی عقب خواهد نشست یا تا پایان در یک زور آزمایی خونین خواهد جنگید، گفت: "من هیچگاه بر این باور نبوده ام که نمی توان جلوی حمام خون تحمیلی را گرفت. بیم آن دارم که این حمام خون نه در شرف وقوع، بلکه از هم اکنون فرا رسیده باشد. ما می جنگیم و انتظار حمام خون را هم داریم. ماقربانی خواهیم داد، اما غریب هم می دانند زمانی که برای نابودی رژیم نازی مبارزه میکرد، قربانی های زیادی متحمل شد. این رژیم نیز همانند رژیم هیتلر نابود خواهد شد."

رئیس کنگره ملی آفریقا در بخش دیگری از این مصاحبه اظهار داشت: "آفریقای جنوبی در حقیقت بسیار غنی است، اما این ثروت تنها به عده معدودی تعلق دارد. سه شرکت مهم به نام های بارلوراند، آنکلو آمریکن و سائلام حدود سه چهارم این ثروت را کنترل می کنند. سیاهان عملاً صاحب هیچ چیز نیستند، اما اکثریت سفید پوستان هم در این ثروت سهمی ندارند. توزیع ثروت، به کلی غیر عادلانه است، این انحصارات از میان خواهند رفت. اما در پایین تراش این سطح، فضای زیادی برای شرکت های خصوصی وجود خواهد داشت."

الیور تامبو در پاسخ این سؤال که کنگره ملی آفریقا از چه منابعی سلاح تهیه می کند، گفت: "از کشورهای سوسیالیستی، بطور عده اتحاد شوروی، از



سازمان وحدت آفریقا و برخی کشورهای آفریقایی." و افزود: "ما آنها را که در لحظاتی که نیازشان داشتیم به ما کمک کردند، فراموش نخواهیم کرد. و نیز نمی توانیم از ما انتظار داشته باشید که برای کسانی که امروز مخالف ما هستند (پس از پیروزی) امتیازی قایل شویم." رئیس کنگره ملی آفریقا درباره امکان مذاکره درباره "گذار تدریجی به حاکمیت اکثریت" تاکید کرد: "ساله گذار کام به کام به حاکمیت اکثریت مطرح نیست، انجام این امر به صورت کام به کام یعنی ادامه جنایت. تنها مذاکراتی که می توانیم تصور کنیم، مذاکره درباره مکانیزم تحویل بلا فصل قدرت به اکثریت است." اولیور تامبو در پاسخ به این استدلال که تحریم اقتصادی آفریقای جنوبی وضع زندگی مردم این کشور را بدتر خواهد کرد، گفت: "منتگامی که خلق ما برای پایان دادن به آپارتاید آماده پذیرش مرگ و زندان است، آیا واقعا فکر می کنید از این که تحریمی که می دانند به رژیم لطمه خواهد زد اندکی گرسنگی و بیگاری بیشتر ایجاد خواهد کرد، ناراحت می شود؟" تحت فشار افکار عمومی جهان، دولت ریگان خود را ناچار دید "مجازات" هایی علیه رژیم

آفریقای جنوبی اعلام کند. این "مجازات" عبارتست از منع فروش کامپیوترهای آمریکایی به پرتوریا، ممنوعیت خرید و فروش سکه طلای آفریقای جنوبی و چند اقدام بی اهمیت دیگر. ناظران اظهار عقیده کردند که هدف اصلی ریگان از اعلام این تصمیم، جلوگیری از اتخاذ تصمیمات شدیدتر توسط کنگره بوده است.

ایزوستیا: واشنگتن برای

جلوگیری از توافق با افغانستان

برپاکستان فشار وارد می آورد

مفسر سیاسی روزنامه شوروی ایزوستیا می نویسد: پاکستان نه تنها نقش پایتگاهی برای جنگ اعلان نشده ایالات متحده آمریکا علیه افغانستان را ایفا می کند، بلکه بطور فزاینده ای در این جنگ شرکت می جوید.

ایزوستیا می افزاید: تأثیر مخرب چنین سیاستی بر منافع ملی پاکستان آشکار است. هیچ کس پاکستان را تهدید نمی کند. این کشور، نیازمند مناسبات صلح آمیز با مسایلتانش و دنبال کردن یک سیاست مستقل است نه بازپچه دست دیگران شدن.

در این مقاله همچنین آمده است، امکاناتی برای رفع تشنجات پیرامون افغانستان از راههای مسالمت آمیز وجود دارد. به ابتکار طرف افغانی و از طریق دیه گوکورد و ز، نماینده شخصی دبیرکل سازمان ملل متحد، مذاکراتی با پاکستان آغاز شده و چند سال است که ادامه دارد.

واشنگتن نه تنها از نزدیک روند مذاکرات را دنبال می کند، بلکه بطور نامرئی در آن حضور نیز دارد و می کوشد در چارچوب اهداف تجاوزکارانه اش موضع پاکستان را تحت تأثیر قرار دهد. این مذاکرات می توانست تاکنون بطور قطع به نتایج عملی مثبت منجر شود. اما هر بار دوا لوف به حصول توافق های قابل قبول از سوی دوا لوف نزدیک شده اند، پاکستان تحت فشار واشنگتن یا سر ایستاده مطرح کرده و یا شرایطی را که قبلاً پذیرفته بود رد کرده است.

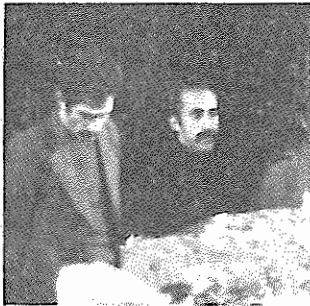
پایان مذاکرات افغانستان و پاکستان

پنجمین دور گفتگوهای میان هیات های افغانستان و پاکستان به میانجیگری دیه گوکوردوز، نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد، در ژنو به پایان رسید. دو طرف توافق کردند اواخر آذرماه امسال باردیگر مذاکرات را از سر گیرند.

دیه گوکوردوز این دوران مذاکرات را که ارسوی افغانستان، هیاتی به ریاست شاه محمد دوست وزیر خارجه این کشور و از سوی پاکستان، هیاتی به ریاست صاحبزاده یعقوب خان، وزیر خارجه پاکستان در آن شرکت داشتند، مفید خواند. وی افزود علل مهمی وجود دارد که دو طرف بطور جدی در حل مسایل موجود ذی علاقه اند.

در راه گسترش جنبش دانشجویی

محمد امین لاهیجی (م-راما) درگذشت



محمد امین (م-راما) پس از آزادی از زندان شاه، سمت چپ، بهمن رادمرخی از مبارزین قدیمی که به دست چلچلدان خمینی تیرباران شد، نیز دیده می شود. بشریت را به همراه داشت. اشعاری که او به گویش گیلکی سروده بود در لاهیجان - زادگاه او - سرتاسر گیلان از شهرت گسترده ای برخوردار بود. شعر زیر که از سروده های "م-راما" در پایان دهه چهل می باشد شعر، است که در میان مردم گیلان از محبوبیت ویژه ای برخوردار است.

ترجمه بیجی باد (یاد سردیابی)

یاد سردیابی در گذشت

و یاد گرم بهاری در راه

طوبی که در ده

و شک و ابرکت سرخ در آورده

ارغوان به اشاره ای

مزاران ستاره سرخ فرمی ریزد

رودخانه آوازخوان به پیش می رود

تابه میانی دریا برسد

بیا، بیاتافریادی، شرم برای آزادی

بیا، بیاتان آزادی، آزادی، آزادی

مدلی، ای زحمتکش

نشان کن

باز هم پیر امن تو باره است

تا کی بیل خواهی زد

بدون اینکه ستاره ای را ببینی

توستونی، توستونی

و کاخ دولتمندان پرورش توست

سره ترخالی است

اماسک های آنان

فر به اندر گشت ران بدندن می کشند

بیا، بیاتافریادی، شرم برای آزادی

بیا، بیاتان آزادی، آزادی، آزادی

بشت ابرها کی نیست، بشت ابرها کی نیست

تا اینکه دستهای را ببینی

از آسان بیایانین

و قلب را با نفرت آشنایان

باغ ما گلزاران است، آری، گلزاران است

اماجای گل آزادی

در آن خالی است

ارغوان سرخ است اما

گل آزادی نمی شود

در کمال تاثیر باخبر شدیم که شاعر مبارز و مردمی، محمد امین، در ماه گذشته، درگذشته است. او از مبارزین پرسابقه علیه رژیم شاه بود. محمد امین مبارزات انقلابی خویش را در دهه چهل آغاز کرد. او از همان هنگام که در دانشگاه تبریز به تحصیل اشتغال داشت فعالانه در جنبش دانشجویی شرکت داشت و همکاری نمود را با هسته های اولیه بنیانگذار سازمان ما آغاز کرد. رفیق محمد امین در سال ۱۳۵۰ به دنبال پیروش گسترده ساواک علیه سازمان، دستگیر شد و او را پس از شکنجه های ممتد به ده سال زندان محکوم کردند. آزادی او از زندان پس از هفت سال و به دنبال اوج گیری انقلاب صورت پذیرفت. رفیق محمد امین شاعری توانا بود. او به عنوان یک شاعر به نام "م-راما" مشهور بود. اشعار او بازتاب رنج و رزم مردم و سرشار از امید به آینده ای بود که سعادت و نیک بختی

بیجی باد

بیجی باد، شوره

گره باد اماره

اشتی، بندیده

زمینه سرخا کوه

ارغوان زینه اشاره

گل به سرخ ستاره

روشنه آواز گونه

تو دریا میمونه

بی بشیم فریاد بییم، تا آزادی بییم

بی بشیم آزادی بییم، بی بشیم آزادی بییم

مدلی ای مدلی

مدلی تی پیر من یاره

چندی تبدیل بزنی

مدلی، شینی ستاره

توستونی، توستونی

تی سرخا عیونه

توندانی بخوری

اوشون ست روخونه

بی بشیم فریاد بییم، تا آزادی بییم

بی بشیم آزادی بییم، بی بشیم آزادی بییم

ابریشم میزکی نیمه

پهنه تی دسته پینه

آسونابی بیه جیر

دوگون کینه تی سینه

امی باغ گلزارونه

گل آزادی نی

ارغوان هر چند سرخه

اوشی چاکلیته منی

بی بشیم فریاد بییم، تا آزادی بییم

بی بشیم آزادی بییم، بی بشیم آزادی بییم

اعتصابات متعددی بود که سال گذشته در دانشگاه ماصورت گرفت.

اینک مبارزه اعتراضی در دانشگاه های ایران رو به گسترش است، مبارزات دلیرانه توده های زحمتکش علیه رژیم نیز به این مبارزه دامن بیشتری می دهد. در این شرایط و تلافی خطیری برعهده نیروهای آگاه و پیشرو قرار می گیرد.

مبارزات دانشجویان در سال گذشته نشان می دهد که پیکار علیه خفقان و نقض آشکار و خشن آزادی ها و حقوق دانشجویان و نیز مبارزه در راه خواست های آموزشی و صنفی، توسط اکثریت دانشجویان پشتیبانی

می شود. امروز هر گونه حرکتی در دانشگاه با سد خفقان و سرکوب رژیم مواجه است. سرکوب مهمترین اهرم ارتجاع علیه حرکات و مبارزات دانشجویی است. مبارزه علیه اختناق و سرکوب آزادی های دمکراتیک - عادی ترین مبارزه در دانشگاه هاست. نیروهای پیشرو باید سیاست سرکوب و عاملین آن پیوسته انجمن های اسلامی را در مرکز افشاگری خود قرار دهند.

امروزه مبارزه صنفی دانشجویان

عمومی ترین موضوع مبارزه در دانشگاه هاست. آنچه در برابر دانشجویان آگاه و مبارز قرار گرفته است، بسیج توده دانشجویان در این مبارزه است. باید تلاش کرد فعالین با تجربه دانشجویی با گرایشات مختلف سیاسی و عقیدتی دور هم گرد آمده، در جهت شکل دادن، سازماندهی و هدایت این مبارزات اقدام کنند. در این رابطه ضروریست که دانشجویان آگاه با یکدیگر همفکری و همکاری نمایند.

دانشجویان پیشگام باید ضمن توجه جدی به امر فوق حد اکثر امکانات موجود را برای پیشبرد مبارزات صنفی بکار گیرند. در این راستا باید از طریق هسته های صنفی، منفی، که خود تشکیل می دهند فعالیت صنفی دانشجویان را هدایت کنند. و با کوشش در جهت گسترش همکاری و هماهنگی با دیگر نیروها، آن را توسعه دهند.

بعلوه تجربه مبارزه دانشجویان نشان می دهند که در بسیاری از حرکات های اعتراضی تشکلهای ناپایداری شکل میگیرند. دانشجویان آگاه و ولیفه دارند در جهت ایجاد این تشکلهای اقدام کنند. این تشکلهای می توانند حفظ شده و به بقیه در صفحه ۸

شماره دوم "پیشگام" نشریه سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) منتشر شد. در این شماره مقاله ای با عنوان فوق چاپ شده است که به درج آن می پردازیم.

دانشگاه های ایران در طول عیات خود، همواره یکی از کانون های مبارزه نیروهای ترقیخواه و میهن پرست بوده است. رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی برای متوقف کردن فعالیت دانشجویان انقلابی و مسلط کردن اندیشه های ارتجاعی بر آموزش عالی کشور، با هجومی جنایتکارانه دانشگاه را به خون کشیده و تعطیل کرد. پس از ۳ سال که مجبور به بازگشایی دانشگاه شد، تلاش کرد تا با تصفیه های خونین و وضع مقررات ارتجاعی از آن گورستانی بسازد و با حوزهای علیه اش پیوند زند. اما تمامی این تبهکاری ها نتوانست اهداف رژیم را برآورده سازد. تضاد میان واقعیات سرخست نیازهای جامعه در عصر کنونی با افکار پوسیده و اهداف ارتجاعی از یکسو و مبارزه خاموش نشدنی توده دانشجویان از سوی دیگر، سیاست رژیم خمینی در دانشگاه را با بن بست کاملی مواجه ساخت.

در پس شکست سیاست های رژیم دانشگاه شامد کشمکش و درگیری باندها و دسته جات وابسته به حکومت می باشد. لیبرال ها که خود در برابر تحولات مترقی در آموزش عالی و فعالیت نیروهای ترقیخواه دانشگاه قرار دارند، سیاست های ارتجاع را "عاقله" و مطابق منافع جامعه سرمایه داری نمی دانند. آنان خواهان اجرای برخی اصلاحات و مهارزدن به ترکتازی های انجمن اسلامی، برای خارج شدن از بن بست موجود می باشند. در این شرایط خمینی و دیگر سران رژیم علیرغم شکست سیاست های دانشگاهیشان، با وجود برخی عقب نشینی های ناگزیر، همچنان از هدف سطره بر دانشگاه و "مکتبی" کردن آن دست بردار نبوده و از هیچ اقدام جنایت آمیزی فروگذار نیستند.

رشد جنبش دانشجویی، آشکارترین نشانه شکست سیاست های رژیم بود. مسایل مختلف آموزشی، مشکل مسکن و دیگر خواست های رفاهی، مقابله با توهین و تحقیر دختران دانشجو و تحمیل معیارهای ارتجاعی بر زندگی دانشجویان، ایستادگی در مقابل سیاست های سرکوب ترانه و زورگویی انجمن های اسلامی و سرد و انزوی آن ها، موضوع اعتراضات و

AKSARIYAT
NO. 74

MONDAY SEP 16 .85

Address: آدرس:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY

باجمع آوری کمک مالی

فدائیان خلق را در انجام

وظایف انقلابی

یاری دهید!